

سلی الله علیه وآله بود و مشیدش وصی علیه السلام او بر حسب کتاب او و خطب این (قل هاتوا برهانکم انکم صادقین) اگر بزرگان شما را اعتراضی است (ان موعدم یوم الزینة) آنوقت سکرها درهم می شود و کارها غیر منظم -

و الله من دوست ندارم که آنی صهیفة خاطر تورا غبار تکدر گیرد خیلی خوشبخت هستم که تو خودت اقدام کنی چون غیر از حب قلبی من با تو مراتب اقتصاد هم التفات شخصی تورا قبل از وقت بهتر نشان میدهد. ولی چکنم که تمام این صراحت من صرفیات بهبوده است و رفیقان مرا بتو دشمن نشان میدهند (عسی ان تکرهوا شیاً وهو خیر لکم و عسی ان تحبوا شیاً وهو شر لکم) (باز می نویسد در کاغذ دیگر)

دوست عزیز من - ای کاش که دست قضا تورا محکوم نمیکرد و تو زنده بودی و میدیدی که از برکات منزله قانونی آن (بودجه - واردات) غیر منظم فراسه چگونه منظم میشود و این منظرهای خراب و پریشا بعد از یک هیجان طبیعی چگونه صورت سکونت کسب میکنند و این پیر فرزند چگونه زلیخای عصر میشود و جوانی از سر میگیرد و متعصمین بر رویه وثقی چگونه بارقاه حال و فراغ بال زندگانی میکنند ولی بعد از همه زحمات چه قدر شایان است که من متأسف باشم که یقین دارم لصایح من بصکته نمی تواند باقدح و ذم گروهی بربری که پیشگاه تورا هر پره گرفته اند و پیرستی رده زده اند برابری کنند و زمین های پاریس برنگ چهره خوبان خواهد گرفت و جمعیت خانواده جلاله دچار انواع حقارت خواهند شد روز بزرگان پست - چرا که به پستی روزکارها راضی بودند و رفاقت استبدادیان بی دوام و سرمایه پشپانی تا کار بجائی خواهد کشید

و بعد میگوید (ولتر) پادشاه جان من - عزیز من - یگانه پیدا کننده این نقشه میداند - که سینه من از نقش تزویر پاکست دوست تو هستم و در مقام دوستی از پیش آمد طبیعت تورا خبر میدهم ولی مفرورا - نمیگویم که این وقایع محقق الوقوع است این گمان فکری منست چون قریب بهم است - و گروهی از ارباب حل و عقد که بی فرزند و واقف بر موز هستند

درین قصه تصدیق قطعی دارند لهذا میگویم بهتر این است که تبدیل مسلک سقیم کرده و راه مستقیم گیری - صکه خلك مملکت فرانسه استمداد بعضی اغتشاشات داخلی ندارد محتمل است بعد از وقوع بعضی تبدلات دچار صدمات خارجی شویم در صورتیکه طریق خلاصی از برای او تصور نشود آنوقت خلك بر سر زندگانی من و تو هر دو است - فرزند من که از امروز کمر خدمتکاری بسته است بی بصیرت از بستن کمر خدمتکاری فرزند خودت بر حذر باش

باری - کاغذ مفصل است - بعضی مطالب که باده فلسفی اثبات خطوب آتی میکند چون راجع بوضعیت و موقع و اخلاق اهل فرانسه است از موضوع بحث ما خارج است

نگذشت اندک زمانی که آنچه گفته بوده بی کم و زیاد ظهور کرد - چه ظهور کرد؟ همه میدانیم - با این همه پیشین گوئی در زمان خودش مدعی سراجی نشد - ولی چون مصرح حقوق بشری و مبشر ظهور قوه معتدله بود و ان ممکن نبود مگر بظهور بعضی عوامل به (نبی البلوی) موسوم شد - بعد از مرگ

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بهشقی خلاصه حکای مادر کاهیکه بر خطوب آتیه اطلاعات کافی دارند از (مفاد تم فاقتم الفرصت بین الهمین) قدمی بالا نمیروند - آخر رفقاً انصاف است ما را هم دست طبیعت عطیه ها داده است ما را هم به تشریف (ولقد کرنا) مکره داشته است ما هم حامل امانت شده ایم و مخاطب بمخاطب انسانیت - تا کی با بهیمنیت محض خوشنودیم - و تا چند با اطوار وحشت آمیز خودمانرا خوشبخت میخواستیم - آچند راضی نمی شویم که جمعیت بشری بر حقوق خودشان عالم شوند - تا چند کبرای قضا و صفرای قدر را بی نتیجه و مهمله بکناریم - والله خوبست این حقه بازی ها را جمع کنیم و نعمای الهی را ضایع نکنیم که در جرگه کفار محسوب شویم

سری سقلی (جلید) را که در جرگه مریدان طفلی بسال خورد بود سؤال کرد که شکر کدام است؟ گفت صرف استعمال نعمت بموقع و کفر عدم استعمال قوه

است در موقع - ما هم جنبش کنیم قلمهائی را که
 سلطنت در جهت نجاسات قوطه میخورد بآب حکمت
 بشویم. و افکاری که سالها در بحیره استحضات قلبه
 و کثیره شناور است بر امانت آیات مبارکات بیرون کشیم
 و مراد از خلقت را این فروع ندانیم و ان اصول نشناسیم
 (الم یروکم اهلکنا قبلهم من قرن مکنناهم فی الارض
 ما لم یکن لهم وارسلنا السماء علیهم مدرارا وجعلنا الانهار
 تجری من تحتم فاهلکنا هم بذنوبهم والفاء من بدمم
 قرناً آخرین) ازین غلط اندازی ذلت خودمانرا در
 پیشگاه قدس رهین همه گونه مسئولیت بشناسیم که
 جبهه عمده ازین آیه مبارکه فی الواقع همین است
 (اذقال ربک للملائکه انی جاعل فی الارض خلیفه)
 و کتابة (ابن اعلم مالا تعلمون) راجع بهمین مقول
 است و الله (عفا بهتان عظیم) خدای میداند که ذلت
 شما رهین مطالب طالبه و مراتب مفصله است که من
 بتوجع اجال از آنها میگذرم بچند شعر خاطر مبارک
 بعضی را که عمل دقتند و مانع پیشرفت خیالات بعضی
 از علمای ربانی هستند متوجه میدارد
 ای پادشاه وقت تو چون من تی ضیف
 ای شیخ شهر از چه زنی کوس برزی
 مشق سوزانه بر حرک لک بسته

و ندیبت فاده سکرومی بخرجری
 تقلید نامه چند فریبت میدهد
 این ریاضتند از چه تو برویش میخری
 فقه و اصول چون بزمان بی نبود
 سکوتی که هردهاند مر آنان بکافری
 زین علمها چه سود بایام زندگی
 زین گفته ها چه فایده در کار دآوری
 اسلام با پال جنای مسیحیان
 یو چون خر مسیح بصحرای می جری
 ناموس شرع می رود از گوشه و کنار
 بچاره باز شارح ناموس اسکبری
 تا کی بفری منبر و محراب ای رفیق
 زنجی برای پیش مسجد نمیری
 بهر حال بگذریم سخن مطول و قصه زندگانی
 مختصر اندکی گوشه چشم باز کنید و صرف نظر از
 بعضی مراتب - نزدیکان خودتان و نزدیکان حوزه

سلطنت را متبه سازید و نفس رؤف پادشاه را در
 کارها معین شوید و به پیاسات حکمت مال متوجه
 مرای کلبه سکه میتواند دین و دنیای شما را از
 حوادث آتیه محفوظ دارد سلطنت اسلامی را مثل
 سایر برادران شما ذلیل بجه دیگران نکند - قلم
 لطایل رفت و غوائل بین ما و کودکان حایل بحد
 مرغکان در انتظارند ای رفیق

خود مران کشتی درین بحر عمیق
 تند رفتی ای صو خاموش باش
 مست کشتی ساعتی با هوش باش
 ناله جانکاه از جان بر مکش
 تا نیفتی جان من در کش مکش
 کرچه دوزان بچی خوش ساختند
 سر و کفمر را ز پای انداختند
 ناله با مرغان کفر صحت گذار
 بر قضایای طبیعت چشم دار
 همچو آن مرغ شکسته برخوش
 سر بسر تسلیم باش و کم بجوش
 قصه آن مرغک بچاره کو
 شرح آن از خانان آواره کو
 (باقی دارد)

مکتوب از قفقاز

§ دوستان ما که از ایران باین صفحات مسافرت
 میکنند از وضع مملکت ایران چنین میگویند که چندی
 قبل واپور موسوم به (لنکرسی) به بندر (انزلی)
 آمده از آنجا مال التجاره برای (بادکوبه) حمل کرد
 اجزای خروج نویسی کرک (انزلی) بقرار مسجوع با
 حضرات (کبسونز) ها ساخته باشخص تاجری که
 مخصوصاً زیاده از همه راه داشت و همه وقت مال التجاره
 بحواله او آمده و بایستی خارج شود دید و باز دید
 کرده - باری که میبایست به واپور مذکور داده شود
 داده شد هنگامیکه واپور خواست حرکت کند رئیس
 کرک با اطلاع کارپرداز روس به واپور (لنکرسی) آمده
 رسیدی و تقشیر نموده در ظرف سه ساعت موازده
 عدل بزرگه های ریسمانی مع بعضی اربابینه که صاحبان
 او بدون اداه رسوم کرک و جواز حمل به واپور
 مزبور نموده بودند یعنی با اطلاع اجزای بخرید نویسی

از واپور خارج و ضبط كمرک نمودند صاحب مال در اول
حالا داشت که از من نیست و ریاست كمرک از اجزا برسد
که چگونه این اتفاق افتاده جواب دهند محتمل است
آجر این مال را شبانه بدون اطلاع ما حمل نموده از
کیتان جهاز مواخذ شد که چگونه این نوع تقلب
جویداده جواب داد من نیدانم هر چه بود اجزای
كمرک حضور داشتند و با اطلاع آنها مال التجاره حمل
شده

بعد از آنکه مال التجاره ضبط كمرک شد دو
روز بعد صاحب او واسطه تراشیده و از رئیس كمرک
استمراج حاصل نمود - جواب یافت دو بیست و هفتاد
تومان باید صاحب مال بدهد و مال خود را ببرد
حاقبت صاحب مال در طهران بوزیر كمرک اطلاع
داد بعد از چندی صاحب مال سه مقابل كمرک مال
هزارا بخزانه دار كمرک پرداخته اموال خویش را
متصرف شد متحمل است این معافی با اشاره وزارت
كمرکات بوده است اول دزد كمرک خروجی
است دور نیست همین چند روزه عذر او را بخواهند
و او را فی از خدمت کنند چه اجزای خان از كمرک
که بمنزله خزینه دولت است نباید مستخدم باشد
حالا روز بروز انتظام كمرک از توجه مسیو (هانسیس)
رئیس كمرکات سواحل بحر خزر در لزدیاد است و
در كمرک خروجی انزلی (مسیو سکتاچی) رئیس
سای است که بقلی سد قلب اجزا را به ناید و تغییر
و تبدیل هم در اجزاء داده شده است امید است مسیو
(کتایچی) آناً قاناً مراقبت نامه در کارها داشته رفع
شبهه شده راه قلب كمرک ورودی که مال التجاره
خارج از طریق بحر خزر است بمته شود ولی باز هم
مراقبت رئیس لازم است

و نیز رفیق ما صحبت از کار پرداز همسایه میکرد
که این کار پرداز که تازه مأمور کیلان شده حرکت خود
سرازمین خلی مغایرت با قانون بین دول دارد چون
میداند ایران شلوغ است و هر چه بکند کسی نیست بر او
ایراد وارد آرد و خودش هم جوابی برای مدعی که
توجه به قانون نیاید میتواند اگر در مملکت خود این
نوع حرکت خود سرانه کند فوراً فی از خدمت میشد
ولی چون آب و هوای ایران خود سری را بطورش

میکند اونیز هر چه دلش بخواهد کوتاهی نمی نماید مثلاً
روزی بمنتهای بدگان (ارطون ارمنی) رفته در مکان آنجه
مشروبات بود در حضور مانه شکسته سپس بخانه او میرود
آنجه در خانه هم نیز بود شکسته زن (ارطون) نیز کاله
بی احتیاسی را بکار پرداز میکند اگر چه این حرکت
کار پرداز بد نبود ولی دال است بر خود سری او و
در مملکت خود هرگز جرئت اقدام در اینگونه امور
ندارد (ارطون) و کرجی بانهای انزلی که علی رؤس
مشغول شرب بودند آسوده شدند - حالا مرتکب
این فعل شلیح نه ارطون میتواند شد نه کسی دیگر
این عمل از کار پرداز اجلی مایه رعب ملت میکرد
و ابد با قانون بین الدول درست نمی آید

باری اگر بطور دائمی منع فروش مشروبات شده
کار توانی است ولی معلوم نیست که کار پرداز همسایه
چه بلبیکی مد نظر داشته تقدماً قیصره سالار از بدست
مستان عالی و همیده مجنونان درین مرکز کمتر بکوش
میرسد

روزی مریضی را کار پرداز بمحکمه داکتروسی
بطرف نازیان فرستاد آدم کار پرداز به دکتور
گفت که قولسل مریضی را نزد شما فرستاده
که معالجه کنید داکتور جواب داد چون فعلاً معالجه
مریض دیگر میکنم حوصله نما ثانویه او برسد فرستاده
قولسل مطلب را تکرار کرده دکتور جواب داد که
من قولسل را نیدانم مریض که اینجا آمد بموقع خود
معالجه خواهد شد آدم قولسل قهراً مراجعت کرده
مراتب را بمرض قولسل میرساند کار پرداز وکیل خود
را نزد دکتور فرستاده دکتور جواب داد کار پرداز
حق محکم بر من ندارد و من مطیع اوامر او نیستم
وکیل قولسلخانه مراجعت کرده مطلب را بکار پرداز
مرض میدارد کار پرداز محکم به قزاق داد بروید
دکتور را نزد من بیاورید اگر عذر آورد کشتنی
ببیاورید قزاقها نزد دکتور رفته پیغام کار پرداز را
رسانیده که باید الساعه حاضر شوی دکتور جواب داد
که من بخودی خود نخواهم آمد قزاقها گفتند
مأموریم که تورا کشیده به قولسل خانه ببریم دکتور
جواب میدهد هر نوع که محکم دارید اطاعت کنید
حاقبت قزاقها دکتور را کشتن کشتن نزد کار پرداز

افغانستان

والا حضرت امیر جوان بخت امیر حبیب الله خان در این ایام رونق افروز کابل است - و تقلید از پدر نامدار خود نموده این موسم در (بنمان) رفته در انتظام امور لشکری توجه خود را مبذول مینماید - درباره نظام افواج افغانستان بدرجه قصوی کوشش و سعی و اقدامات جامده دارند - چنانچه بتازگی سببه تعمیر و مرمت دوازده هزار خیمه حکم صادر نمود که در هر یک از آن چادرها هشت نفر سرباز بتوانند قیام نمود - و این نیز مشهور است که امیر معظم خیال دارد اسلحه تمام افواج افغانستان را معکمل نماید - ولی بعضی را عقیده بر این است که فقط افواج ساخلوی کابل را با تفنگهای جدید آراسته نموده و دیگران را وقتی بشهر در آوند با اسلحه های جدید مسلح دارند بهر صورت تمام توجه این امیر جوان بخت روشن ضمیر عملاً در آراستگی افواج افغانستان است خداوند چنانچه کوکب افغانان را از حنیض مذلت باوج عزت رسانیده - عزت ملی ما ایرانیان را نیز قائم بدار - باز شنیده می شده که هیئت سفارت روس که تمام اعضایش مسلمانند از سمرقند برای تبریک تحت تعینی امیر حبیب الله خان خواهد رسید چون این امر تحقیق نیست کذب و صدقش را نمی توان تصریح نمود ولی مظنون است که این افواه هم مثل افواه های سابق بی اصل باشد

جشن تاجگذاری دهلی

دیدن تدارکات برای جشن تاجگذاری دهلی تاکنون جاری است - میگویند (۵۴) امرای بزرگ هندوستان را حکومت هند دعوت نموده و اکثرشان قبول دعوت نموده اند - در این عدد حکمرانان امارتهای کوچک که حکومت های محلیه دعوت نموده شامل نیست این (۵۴) نفر انتهائی هستند که حکومت هند رسماً مکاتبه با ایشان نموده دعوت کرده است در این صورت دعوت جمیع نوابان و راجکان متوسط و کوچک دشوار معلوم میشود

هماره ناپشکاهی که در باغ (قدسیه) تعمیر شده اگر چه خام است و بعد از دوسه ماه منعم خواهند نمود ولی خیلی خوش اسلوب ساخته شده در اطراف آن

حاضر کردند - دکتور با کمر خیمه نزد کاربرد از درانپرد - کاربرد از میگوید روی صندلی بنشین - جواب میدهد چون به اقتضای مرا آورده اند باید نزد شما هم بی ادب باشم و افتاده صحبت کنم - فرض بعد از سؤال و جواب لازم باز دکتور بمنزل خود آمده تکراراً یا کتباً با اداره خود بی اعتدالی کاربرد از را شکایت نمود - گویا جواب بکاربرد از رسیده که مداخله در کارهای هیئت اطباء آنجا نکند تا بعد چه شود - این قدر است سرکار کاربرد از در ملک خارجه ولو برطایب خود باشد نباید اینگونه تصرفات که مطلقاً حق حکومت است به نماید

لارد کرزن و فرمانرمانی هند

اخبارات انگلیسی مینویسند - که حکومت (لارد کرزن) فرمانرمانی هند موضوع بحث است - یکی از نامه نگاری نویسد که برای تکمیل بعضی از اعتراض بزرگ (لارد کرزن) باید بانجام رساند و استکار میباشند که بر ایام حکومت ایشان افزوده گردد - ولی چنین امر را اختیار نمودن ثبوت عدیم المثالی ایشان را نتوان داد - بلکه ثبوت عدیم المثالی ایشان در صورتیست که در ایام قلیله حکومت خودشان امور را که مد نظر دارند انجام دهند (لارد دلهوری) فرمانرمانی سابق هندوستان را نیز پنج سال که میعاد معمولی هر فرمانرمانی است هفت سال قرار دادند ظاهراً (لارد کرزن) را صعب است که خویشتن را از عضویت پارلمان انگلستان این زمانه دراز دور بیند ولی بعضی اعتراض را که مد نظر دارند اگر خواهند انجام یابد ماندن ایشان در هند بطول انجامد - دو سال کامل از ایام حکومت ایشان باقی است مگر ازین وقت هواداران حکومت ایشان خیال دارند که توسیع در مدت حکومت معظم له داده شود باید دید چه می نمود آری حکومتی که مستبد رای خود نیست و وظایف حکمرانی و حقوق دولت متبوعه خویشرا می شناسد و پیشکش نباید بدهد و مواجب کافی دارد و عالم بنفون حکمرانی و دیپلماسی است برای ترقی خود نیز لابد است بدولت متبوعه خود خدمت نماید و اگر مثل حکام ایران ما باشد

نوارهای آب جاری خواهد بود

از جانب مریک از حکومت‌های تحلیه هندوستان
یک نفر آدم با تجربه برای شرکت در اداره پلیسی
هر دربار دهلی حاضر خواهند بود و این علاوه بر
آن نمایندگان هستند که همراه امرای خود مختار هند
خواهند آمد و برای مریک از آنها نیز خیمه غلیظه
تزیین خیمه که برای دیر اخبارات مقرر خواهد شد
معین خواهند نمود

برای رساندن اخبارات صحیحه دربار شخصی
معین خواهد شد که به نامه نگاران اخبارات خبرها
را رساند و آن شخص ذمه دار جمله اخبارات خواهد
بود. و هر چه خواسته باشند وقایع نگاران دریافت نمایند
از دفترخانه این شخص خواهند کرد و دفتر این افسر
تزیین مقام دیران اخبار خواهد بود
(آندین انجیریک) مینویسند که کرنل (جیت) را
که در نقشه نویسی مهارت تام دارد اختیار خواهند
داد که نفقه دربار دهلی را آماده سازد -

بقیه تفکرات

(شانزدهم جولائی)

§ بوژانیک تسلیم نموده اند از روی حسد و عداوت
با بوژانیک خود را تسلیم نموده و در قشون انگلیسی
ملحق شده صدمه می‌رسانند و تهدید کشیدن انتقام
و سزا دادن بآنها را می نمایند - زیرا که ظلم است
اکثر بومیان امید دارند که نگهداری حقوق قومی
خود را بتوانند نمود -

§ روانکی اعلیحضرت (ادورد هفتم) رسامه نه بود
و احتیاط کامل شد که وقت روانکی از قصر و
مواقف دیگر اشاعت نیابد - مع ذلک جمعیت زیادی
در کفرکها پره زده بودند - ولی بموجب خواهش
اعلیحضرت از اظهارشادمانی خود داری داشتند کلاه
از سر برداشته خواموش ایستاده بودند - (سیدریک
تریوز) و (سرفرلیمس لکنک) اهتمام سواری و حمل
دادن اعلیحضرت را از قصر بکالسکه و از کالسکه
بقایق نمودند

§ روز جمعه اعلیحضرت (ادورد هفتم) به (لارد
سالبری) نشان ستاره الماس نشان (کراند کراس
آف ویکتورین) اعطا فرمود

§ (منتر بالفورد) امروز عصر خدمت اعلیحضرت
(ادورد هفتم) بار حضور یافته سدارت اعظم
مقرر گردید

§ اعلیحضرت امپراطور روس و اعلیحضرت (امانیول)
پادشاه ایتالی تماشای چراغهای اردوی بزرگ را در
(کراس نی سیلو) نمودند -

§ جنرال (جاق) از عهده سرداری قشون جزیره
(فلپین) در (۳۰) ماه سپتمبر موقوف و به عهده
وی جنرال (دوپس) برقرار گردید
(شانزدهم جولائی)

§ (پرنس کاسو) سفیر فوق العاده دولت (کوریا)
آخرین ملاقات را با (ایم لوبت) رئیس جمهوری
فرانس نمود -

§ (لارد جارج هملتن) در دارالشورای ملی اظهار
داشت که موازنه دخل و خرج هندوستان را تا موسم
خزان ملغوی گذارده اند

§ اعلی حضرت امپراطور روس و اعلی حضرت
(امانیول) پادشاه ایتالی بمیت (کراندیوک و کراند چسپا)
دو شهزادگان روس تماشای مشق (۴۸۰۰۰) هزار
قشون را در اردوی بزرگ (کراسنی سیلو) نمودند -
اعلیحضرت امپراطور دسته قشون خود را سرداری
نموده از مقابل پادشاه ایتالی گذشتند -

§ در دارالشورای دولتی انگلیس ضمن بحث درباره
انتظام اراضی در آفریقای جنوبی گفتگو شده (لارد
انسلو) اظهار نمود که بقبضه حکومت اراضی زیادی در
آمده و یک ملیون لیرا به (لارد ملتر) اعطا شد و از
آن (لارد ملتر) (۶۰۰۰۰۰) لیرا خرج نموده -
عملیات پلیس آفریقای جنوبی را حکومت ترجیح
میدهد از برای بود و باش و استعمال اراضی بعد از
آنها قشون ساحلوی و دو طلب حقدارند بدیگران عطا
خواهد شد - اراضیکه قبضه حکومت هر آمده کفایت
ار احقاق حقوق نتواند کرد

§ حالت (سترچبولین) بهتر و محبتش خواطر خواه است
و اشاعت خبر روزمره حالش موقوف شده است

§ امروز عصر (پرنس آف ویلز) شاهزاده ولیعهد دولت
انگلیس اعلیحضرت (ادورد هفتم) را عیادت نموده
آرامگاه اعلیحضرت را بر سطحه کشی برای تفریح آوردند

لنکره (اسپت هد) بتاریخ یازدهم ماه اگست جمع شده و بعد از چند روز تماشای معق جہازات جنکی خواهد شد

(مہدم جولانی)

§ حکومت مصر سندات دولتی را بمبلغ (۷۸۴۷۰۰) لیرا از تہمتہ سندات سابقہ کہ معادل (۷۷۱۴۷۰۰) لیرا بود بمنافع سالانہ صدی چہار اشاعت نموده است § امروز عصر (دیوک آف کبریج) بہمراہی (لارہ کچنر) و جماعت زیادہی از تماشایان مجسمہ (جنرال کاردن) را انکشاف نموده این مجسمہ عنقریب بخرطوم فرستادہ خواهد شد تا در آن مقامی کہ (جنرال کاردن) کتہ شدہ نصب نمایند

§ شانزدهم ماه آگست آیندہ را برای مشق و سان جہازات جنکی در لندن مقرر داشته اند

§ در مشاورہ وزرای مستعمرات بحث دربارہ تجارت ملکی خصوصاً در صورت حساب دیوانی شدہ است

§ در دارالشورای دولتی (لارڈ لنسڈون) در ضمن تقریر خود دربارہ دولت چین اظهار داشتہ کہ دولت انگلیس مستعد است شعبہ اندرونی راہ آہن را بدولت چین واگذار نماید ولی باید محافظت منافع مالیہ و اغراض پلتیکی دولت انگلیس در آن بعود و راہ آمد و شد از (پکن) را الی ساحل دریا بقبضہ خود در آورد . دولت انگلیس اگرچہ بحق از دولت چین آزرده است ولی گاہی کینہ خواہی نخواہد نمود نمایندگان دولت انگلیس مقیم (شنکھای) خبر میدهند کہ انتظامی در پیش است کہ وسعت تجارت در نواحی مشرقی چین دولت انگلیس را حاصل شود

§ (لارڈ ککران بورن) دربارہ تقریر (لارڈ لنسڈون) در بارہ اتحاد با ایتالیا گفتگو با (مسٹر بالفورد) نمود

§ سلطان زنگبار این جہان فان را وداع گفت

§ خدیو مصر وارد (دیون) شد

§ امروز (مسٹر جبرلین) رئیس و صدر مجلس مشاورہ وزرا شد و تمام وزرا حاضر بودند

§ (ارل کڈوکن) از عہدہ خود استعفا داد

﴿ اخبارات خارجہ ﴾

§ قشون انگلیسی کہ در افریقای جنوبی مقیمند از

§ فروش سندات دولتی من باب راہ آہن شرق ہندوستان موقوف شد خبری زیادہ بر این دستیاب نکردیدہ کہ علت این امر ظاہر کردہ

§ (لارڈ جارج ہملٹن) وزیر ہند در دارالشورای ملی انگلیس اظهار داشت کہ چیف کاشنر - مباشر بزرگ آشام تأمل دربارہ عرضداشتیکہ در بازداشتن مزدوران قزاقی جانی از شرابخواری شدہ خواهد نمود و مکرراً بیان کرد کہ در خواست نشدہ کہ حکمی در این باب از ادارہ ہند صادر شود

﴿ مہدم جولانی ﴾

§ علیحضرت امپراطور روس و اعلیحضرت (امانیول) پادشاہ ایتالی دیروز در بندرگاہ (کرانستت) تماشای جہاز جنکی دولت ایتالی کہ حامل رایت دولت مشارالہاست فرمودہ تجربہ تلگراف (ملرکونی) را نیز کردندہ پس از آن مراجعت بہ (پترہاف) نمودند -

§ یکی از سرداران امریکای شمالی را کہ موسوم است بجنرل (اسمہ) در محکمہ عسکری حاضر نمودہ کہ از بابت حکمی کہ بقشون دادہ کہ تمامی باشندگان (ساسر) را بکشند و انحصارہ را ویران کنند مجرم قرار دهند و بر ثبوت جرم او حکم نیز صادر شد بدین قسم کہ (پریسبیدنٹ روزی ویلت) رئیس جمہوری انارونی اورا موعظ نمودہ و بعد از موعظہ مجبور بہ استعفا پیش نماید

§ دستہ قشون ساخلوی (جبرالتر) کہ افسرشان (سر جارج وایت) میباشد و قبل از این سردار قشون ہا وستان بودہ و دفتر اطافہ برای خلاصیان باز نمودہ با امرای ہند و مہمانان سائر مستعمرات کہ برای شرکت در جشن تاجگذاری وارد انگلستان شدہ اند دیشب مہمانی و پذیرائی شدند - (پرنس کرش چین) پذیرائی نمود و (لارڈ کچنر) ہم شرکت داشت -

§ محبت اعلیحضرت پادشاہ انگلستان حسب دلخواہ است - اعلیحضرت صبح بر سطحہ قایق مصروف باشا بودند - معظمہ ہشتم ماه آگست آیندہ در لندن تشریف خواہند آورد و بعد از جشن تاجگذاری باز بپیر دریا مراجعت خواہند نمود -

§ رسماً اشاعت یافتہ کہ دستہ از جہازات جنکی در

خبر علالت اعلیٰ حضرت (ادورد هفتم) خیلی افسرده و اندوهناک اند -

§ حصه عمده محله تاتاریان در شهر (قازان) روس بسبب حریق خراب شده

§ دو قطار راه آهن که حامل نفوس بسیار بودند در (مل - فرانس) از خط خارج شده سی نفر صدمه خفیف و ده نفر صدمه سخت برداشته اند -

§ در (برن) دارالسلطنه (سوئزر لند) چهار هزار نفر جمعیت نموده شکایت از زیادتی محله پلیس نموده اند § در (برمنگهم) شخصی دیوانه وار وارد در دست گرفته در کوچه می دوید - و قبل از آنکه گرفتار شود شش نفرا مجروح ساخت

§ (مسترا دورد استرن) مبلغ (۱۰۰۰۰۰) لیرا پشاهزاده (کریستن) بیادگار جشن تاجگذاری داده که در مدرسه صحت برای ترقی سوزن کاری صرف شود § تاکنون در دفتر اطباء بادکار علیا حضرت ملکه متوفاه انگلستان بالغ بر (۷۰۰۰۰۰۰) لیرا جمع شده از آن جمله (۵۰۰۰) لیرا از ایالت های (ملی) فرستاده شده § در مملکت فرانس حمل قبیح خودکشی خیلی بالا کرده چنانچه در سه روز بیست و چهار نفر خودکشی نموده - و یکروز در (پاریس) پنج نفر خودکشی کرده اند من جمله آنها دو نفر زنهای جوان بوده که آنهاشان کریخته بودند -

§ مرض طاعون در (سدنی - استرلیا) موقوف شده از دوازدهم ماه گذشته تا کنون احدی در این مرض مبتلا نگردیده است

§ در بیست و دوم ماه گذشته در (سنکنک - چین) در یکی از جہاز جنگی موسوم به (کیچی) حریق واقع شده یعنی آتش در جبه خانه اوقتاده دو صد و چهل نفرا هلاک نموده است - (کیچی) جہاز جنگی بود که حامل دو هزار تن بوده و در سنه (۱۸۸۷) ساخته شده و اسلحه جنگ آن دو توپخانه نمبر (۸۰۴) و شش توپخانه نمبر (۵۰۹) بوده است

§ (پرلس ابولنسکی) که مردم را از خود مقتدر و آشفته ساخته و کشید زیادی در فرونشاندن شورش دهقانان روس نموده بود آخرین مقتول بلوایان روسیه است که رسماً خبر قتلش اشاعت یافته است

§ دسته قشون سواران [فرست روسین در کون کاروز] و [فیفته یسار روس] زیارت قبر علیا حضرت ملکه متوفاه (ویکتوریا) در (فراک سور) رفتند صحت علیا حضرت ملکه (هولاند) که تاکنون در (شام پیک) مقیم اند حسب دلخواه است - علیا حضرت موسوفه هر روز از روز اول بیشتر پیاده و سواره تفریح مینمایند -

§ جبه خانه اردوی (کارا بچل) در (میدرد) دارالسلطنه (اسپانیا) آتش گرفته سه نفر هلاک و بیست و پنج نفر سوخته نقصان زیادی بخانه ها و اموال مردم رسیده و در بجهای قصر شامی را درهم شکسته است

§ مرض آبله در محبس (هارت مور - انگلستان) شوع یافته و دو نفر مجوسین در این مرض مبتلا گردیده اند - مرضا را در جای علیحدہ تمها گذاشته و احتیاط مینمایند - که این مرض بدبکران سرایت نکند

اخبارات داخله

§ در انگلستان فرمایش ساختن سیزده همراه توب ماشین دار نمبر (۲۰۳) برای هندوستان داده اند § حکومت هندوستان پسند نموده که (میجر - اس - جی - رد کلیف) از راه (لادی و استاک) بممالک روسیه سفر نماید - و این طریق را کاملاً محقق کند

§ در سنه (۱۹۰۱ و ۱۹۰۲) اشیائیکه بذریعه بسته از هندوستان اخراج شده معادل (۵۰۹۹۴۵۸۴۷) رویه بوده نسبت بسال ماسبق نیم میلیون رویه اضافه شده است

§ (مستراج - اچ - رابزلی) مباشر مردم شماری هندوستان اطلاع داده که تا ماه اکتوبر آینده دفتر قید نفوس تکمیل خواهد شد

§ سخاوت بیخه از هندو در (مفل سرا) که واقع در راه آهن مشرق هند است (دهر ساله - کاروان سرائی) برای استراحت و آسایش مسافرن تعمیر مینماید § عصر دوشنبه طوفان شدیدی در مدراس شده است

§ ایالت (نرا ونگور) کتب خانه (مسترفوآس) کشیش متوفی مقیم (مدوره) را بیست هزار رویه خریده شامل کتب خانه عمومی شهر نموده است § اسامی (۴۸۷۰۰۰) نفر در دفتر اطباء قحط

زدگان ثبت است - نسبت به هفته گذشته (۸۰۰۰)
فهر کم شده - زیاد شدن قحط زدگان بمبئی - و سند -
و بروده - جاخالی کی قحط زدگان را در ایالت های متوسطی
هند و راجپوتانه بر مینماید

➤ اخبار انگلیسی می نویسند

از بعد اتمام جنگ ترانسوال دولت روس را
اندیشه دو این است که بر جنوب ایران اثرات دولت
انگلیس مستحکم گردد - دو سال قبل اخبارات روسی
علائیه تسلیم نموده بودند که صوبه شمالی ایران در اثر
روس و حصه جنوبی آن در خود انگلستان است ولی این
اوان در اخبارات خود چنین بحث مینماید که انگلستان را
در جنوبی ایران آن حق حاصل نیست که روس را
در شمال آن مملکت حاصل است چنانچه روز نامه
(نیویورک) مینویسد که انگلستان بجهت حقوق
خود را در جنوبی ایران ثابت نمیتواند کرد - وجه دلیل
در دست دارد جزایکه (لاره کرزن) در جایی بیان
نموده که حدود سلطنت انگلیس تا خط العرب است

پس از این روس در روس رالی وادی سند سلطنتی دریای
کنک تصور باید کرد - سواحل خلیج فارس در قلمرو
انگلیس شامل نتواند شد - و هیچ وضع سرحد بر طایفه
بجنوب ایران ملحق نمیتواند کردید - بجز صحرای بلوچستان
و ساحل مکران - از جهت دول سرحدات روس بیشتر به
ایران ملحق - و سایر بعضی وجوه روس را حقوق چند
است که میتواند ایران را ملک خود بگوید - پس حال
که دولت روس در این معامله دست اندازی نمی کند
[یعنی از قبضه کماله ایران دست نگاهداشته از
حق خود قائل و در پیش رفت مقاصد خویش
تکامل دارد] شایسته نیست که دولت انگلیس در پیش
رفت مقاصد باطله خود حرکات بهبود کند

➤ موسم باران

(مستر کلیمنتس) در رساله خود چنین پیش بینی
نموده که در این موسم در صوبه بمبئی ۱۴ - ۲۰ -
۲۵ - ۲۸ جولای بارندگی تواند شد و در ماه اگست
تاریخ ۱۷ - ۲۲ - ۲۶ - ۲۹ هم احتمال بارندگی میرود و نیز
مینویسد که ۳۱ جولای یا ۱۱ - ۱۷ - ۲۳ و ۳۱
اگست آثار زلزله و اثر انکشاف کوه های آتش فشان
ظاهر میشود

➤ کلمت

§ زنی قریب المارک را چهار نفر
خود را بیجان میکردند در ()
سوزاندن مرده های هند است
پس از چند دقیقه زن جان باط
که آن زن کیست و آن چهار نفر
برای تشریح به تشریح خانه بر
§ سه شنبه گذشته علامت ط
دجله (هوکلی) بلند نموده د
§ مهارانی (دسراؤن) را
متوفایش که در باغ وحش کلک
موسوم به (دسراؤن هوس)
است مهارانی موسوفه مبلغ (۲۵۸۲) روپیه ۵ برای
مرمت تخمین شده بود بدفترخانه باغ وحش سپرد نمود
مباشرتن (باغ وحش) شکریه از جانب حکومت محلیه
بنگال بمهارانی نمودند

§ آرامنه کلکته انتظام نموده اند که در روز جشن
تاجگذاری چون تاریخ معین سکرت در کلیساهای
خود شکریه صحت اعلی حضرت (ادورد هفتم) را
بجای آرند و دعای سلامتی و طول عمر ایشان را به
نمایند و پس از اختتام و دعا صدقات بفرمایند تقسیم
شود و بملازمین کلیساهای (کلکته) و (سنکره) و
(چچره) و (سعید آباد) بذل انعام نمایند

دوشنبه ۱۴ شهر جاری مرحوم خالد آشیان
حاجی آقا سید صادق تاجر شوشتری صدر انجمن
مرتضوی وریش ایرانیان کلکته در حالیکه بالغ بر هفتاد
و چهار مراحل زندگانی را طی نموده بود این جهان
فانی را وداع نمود - مرحوم از چند وقت بمرض یرقان
مبتلا و در همین مرض وفات یافت - روز سه شنبه
جنازه مرحوم را با احترام تمام برداشته جماعتی از همایند
مسلمین تشییع جنازه نمودند - حسب الوصیه لعش آن
مرحوم را در مقبره شیمان در (سیالده) امانت گذاشته
که چون اجازه حاصل شود ببنات طالبات حمله نمایند
§ شنبه و یکشنبه گذشته در حسنیه (کول کونجی)
که در تولیت حضرت مستطاب اشرف والا نواب بهادر
مرشد آباد است حسب معمول دو روز مجلس اطعام
منعقد گردید شنبه از فقرا و متوسطین و یکشنبه از
همایند و بزرگان دعوت شد

اداره جبل المین
(میزاپور استریت نمبر ۲۵)

کلیه امور اداره
(نامدیر کل مؤید الاسلام است)

منیجر اداره
(آقا محمد جواد شیرازی است)

هر دوشنبه طبع
(و سه شنبه توزیع میشود)

بتاریخ دوشنبه
(۲۲ ربیع الثانی ۱۳۷۰ هجری)

مصادف با
(۲۸ جولای ۱۹۰۲ میلادی)

روزنامه مقدس

(سنه ۱۳۱۱)

قبل از دریافت نمودن قبض مخصوصه اداره هیچ یک از خریداران نباید قیمت اخبار را بحدی تسلیم نمایند

جبل المین

ذمه دار صحت و سقم اطلاعاتیکه در اخبار داده میشود همان کسانی میباشد که اعلان داده اند

احزای اداره ذمه دار صحت و سقم عنواناتی هستند که از طرف خود مبتکارند نه عاویز و قایع نگاران و صاحبان مکاتب و منقولات یا ترجمه از سایر جراید

قیمت اشتراک
(سالیانه --- شش ماهه)

هند - و برمه
(۱۲ روپیه --- ۷ روپیه)

ایران - افغانستان
(۴۰ قران --- ۲۵ قران)

عثمانی - و مصر
(۵ مجیدی --- ۳ مجیدی)

اروپا - و چین
(۲۵ فرنک --- ۱۵ فرنک)

روسیه و ترکستان
(۱۰ منات --- ۶ منات)

(در این جریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید مافی بحث میشود)
(مراسلات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

فهرست مندرجات

- تلاکرافات • تهلیت نامه های صوبه پنجاب • چینیان • سرخی تازه بر آسمان • تدبیر مافلا • زلزله • دربندر عباس • کیسیون پلیس • مکتوب از رشت • بلنارستان • مکتوب بغداد • مکتوب از بادکوبه • شمه از حالات تاریخی مسلمانان جمع الجزایر • اعلان خانه تجارنی (آ - می - کتی) کبئی • کارخانه عطریات (اس - اس - چیل و نسکی) • شرح اجرت طبع کتب و غیره • نرخنامه • ترجمه از روزنامه مارنسک پست • حقیقت را نمی شاید نفی • قابل توجه بعضی از وقایع نکاران • تلخیص حقوق دول • مقاله یکی از فضلاء ناهدار • مکتوب قصه نما • مکتوب یکی از مسارف پژوهان • داستان روسیا • قیمت پنبه • فرمان فرمای هند • زحمت نواب سرخورشید جاہ امیر کبیر • تبریک ورود • لارڈ کچنز و سہسالاری ہندوستان • جشن بلاد نظام دکن در کلرک • اعلان • راه آهن برقی • انجمن و لوربول • دولین روس و ایتالیا • پوشہر • اخبارات خارجہ • اخبارات داخلہ • کلکتہ

تلاکرافات

(نوزدم جولائی)

اعلیحضرت بادشاہ (بازیک) که این ایام جہازشان در دریای (سولنت) است برای عبادت اعلیحضرت (ادورد ہفتم) در جہاز ایمن آمدہ نیم ساعت

توقف نمودند - صحت اعلیحضرت خوب است و خوشحال نیز میباشد -

§ (لارڈ سالبری) مجلس مہمانی پرشکوہی در (ہائے فیلڈ) ترتیب دادہ کہ دو میان چہار و پیمہزار نفر امرای ہندوستان و مہمانان مستعمرات و سفرا و احزاء دارالشورای دولتی و احزای دارالشورای ملی دعوت داشتند (بیستم جولائی)

§ (سید علی) - اعلان زنگبار مقرر شد ولی (مہنر راحز) نائب السلطنہ اوخواہد بود تا وقتیکہ بامر بیست و یکسا لکی برسد

§ روزنامہ های ایتالی اطاق (لارڈ لئمدون) را تمجید نموده حسب دلتواہ خود می پندارند -

§ دستہ سواران (تولداسقریم - واسکات و - کرانادیر) از (کب) مراجعت نموده وارد بندرگاہ (سوتہ ہمتن) شدہ اند § نہصد نفر مہاجرین بوئر کہ مملکت برتکس ہجرت نموده بودند عودت بوطن اآلوف خود نموده روانہ (کب تون) کشتہ اند -

§ ہفت فروند جہازات جنکی انگلیس کہ ساخلوی (کب) وارد زنگبار شدہ اند

§ در مشاورہ (جوہالس ریک) من باب ادارہ معدنیہ صدر انجمن مزدوران افسوس نموده کہ از بومیان

نمی آید و باید از ممالک دیگر در
 زندگان ثبت فرستاده شود -
 نفر کم شد (راس مقان) سفیر فوق العاده حبش
 و برو (پاریس) نمودند (ام - اتین) تمجید زیادی از
 هند (راس مقان) نموده که راه آهن (جیوتل همار) را
 سمت داده (اخراجات حمل و نقل اشیاء و نفوس را از
 رود نیل الی خلیج عدن کم نمود. است و نیز اظهار داشت
 که دولت فرانسه تمنا ندارد که راه آهن حبشه را قبضه
 نماید بلکه فقط اراده دارد که ثروت حبشه را بر طالبان
 آشکارا دارد (راس مقان) شکریه میزبانان را گفته که او را
 بفرخور حالوی پذیرائی نموده جام محبت (میسبولوبه)
 رئیس جمهوری فرانس را نوعیده و ترقی دولت فرانسه
 را خواستار گردید

(۲۱ - جولای)

§ در دارالشورای ملی انگلستان (لاردرکران بورن)
 اظهار داشت که از حکم ثالثی در مقدمه (ویمه) بدولت
 انگلیس (۹۰۰۰) لیرا خساره وارد آمده ایضاً
 (لاردرکران بورن) بیان نمود دولت انگلیس را خبری نرسیده
 که اتحاد ثلاثه بین (ایتالی) و (فرانس) و (اسپانیا) برای انجام
 امور پلتنیکی (بحر روم) و (مراغه) بسته شده باشد
 § (مستر برادریک) در نطق خود اظهار داشت
 که من باب منسوخ نمودن آئین عسکری در (کیپ)
 و (نتالی) از روی احتیاط و تأمل غور میشود -
 § (مستر بالقور) صدر اعظم دولت انگلیس در
 دارالشورای ملی اظهار داشت که او اراده ندارد بنظر
 استعفا دادن (سرمایکل هکس بیچ) وزیر مالیه وضع
 معاملات دیوانی مستعمرات را تبدیل دهد
 § (مستر برادریک) در دارالشورای ملی خطوط
 (هلیوگرام) سرجارج وایت را نسبت بمحاصره قلعه
 (لیدی اسمته) قرائت نموده اظهار داشت که سردار
 موسوف ذخیره و خوراک هفتاد روز را داشت و
 دسده (جنرال بولر) که از این معامله آگاهی داشته
 مع ذلک بمجنرال (سرجارج وایت) صلاح داد که
 قلعه را حواله به بورژان بنماید نیز قرائت شد -

§ جهازیکی از ادارات تجارتي (همبرگ و امریکا) بایکی
 از جهازات در رودخانه (الب) کینی دیگر مصادم شده
 جهاز مذکور غرق و شصت نفر نیز هلاک شده اند -

§ هفته گذشته (۱۰۰۰۰) نفر قشون انگلیس از
 بندر (درین) بر جهازات حمل شده روانه وطن
 مآلوف خود گردیدند
 § چهار صد نفر اسرای بوژ را از بندر (کلبوی)
 سیلان وارد بندر (درین) نمودند
 § سندات دولتی معرکه برای فروش به بازار آورده
 بودند اختتام پذیرفت

(۲۲ جولای)

§ عرضداشتی در روزنامههای دولت (آلمان) درباره
 استحکام اتحاد بین دولتین آلمان و انگلیس اشاعت یافته
 § در مجلس مشاوره وزرای مستعمرات (مستر چپرلین)
 بر کرسی صدارت جایگزید و اعضای اداره تجارتي و
 اداره هند هم شرکت داشتند - (سررا برت کینن) نیز
 حاضر بود - بر مناصبات تجارتي سلطنت بحث شد
 § در حادثه تصادم دو جهازات در رود (الب)
 یکصد و چهار نفر مفقودالخبیراند

§ جنرال (بونها) و (دیوت) و (دلیری)
 سرداران بوژ روانه اروپا گردیدند
 § (مستر چپرلین) در دارالشورای ملی در ضمن
 نطق خود بیان نمود که جمعی از بوژان عرضداشت
 ملازمت در قشون (سونه) افریکن کالستیولری
 داده و (لاردر مار) حاکم افریقای جنوبی از دوسد
 الی سیصد نفر را با احتیاط تمام چیده شریک نموده است
 نصف اینها جواسیس ملی و خوش اطوار اند و باقی
 مردمانی اند که جدیداً خودها را تسلیم نموده و
 سرداران آبوژ آنها را ضمانت نموده اند

§ (پرلس کانسو) سفیر فوق العاده (کوریا) در
 آلمان برای مشاهده نمودن کارخانه توپ سازی (کرب)
 در (اسن) وارد شده است
 § در اخبار رسمی لندن بیان شده که نفعان بزرگ
 صلیب علیا حضرت ملکه متوفاة را به (لاردرسالسبری)
 صدر اعظم سابق بیادکار خدماتیک مدت هاست بدولت
 و ملت انگلیس نموده عنایت شده است

(۲۳ جولای)

§ در دارالشورای ملی من باب پیش نمودن تخمین
 اخراجات (آیرلند) (مستر ردمنند) در خواست
 نموده که مسافره که به (مسترویندم) داده میشود

کم تر به نمایند و بیان کرد که او بیکاره است و تحریک بغاوت می نموده - و نیز اظهار داشت که او پیشین کوش می نماید که قبل از آنکه سال تمام بشود حقارت (مستر و بندهم) نسبت بحرکت ملی چندان زیاده نخواهد بود - (مسترویندهم) حمایت پلتیک حکومت محلیه و کردار (آبرش کالستیولری - پلیس آیرلند) را نموده است - § (مستر بالفور) صدر اعظم دولت انگلیس در دارالشورای ملی اظهار داشت که دولت انگلیس خواهش نامه دولت روس را امضا مینماید که نوشته دولتمن روس و انگلیس مابین مابده نموده تجارت خودشان را از کم نمودن قیمت اشیاء محلیت عملی حمایت و محافظت نمایند -

§ امروز در مجلس شورای جامع (وسلین) در (منچستر) اظهار شده که دفتر امانه يك مليون (ایرا) در عید میلاد حضرت مسیح تکمیل خواهد پذیرفت و ماهی خانه (وست مستر) را خرید در مقام آن کلیسا و تالار متوسطی بنا خواهد کرد -

§ (لاردر جارج هلمن) وزیر هند در جواب مسئله (مستر کلوی ویر) دربار صافی نمودن رود خانه هوکلی بیان نموده که تخمین شده است که ده میلیون روپیه خرج بر داشتن پشتهای ریک داخل رودخانه منبوره خواهد شد § روزنامه (اسلند) پس از هجده ماه تعطیل باز اشاعت یافت -

§ اعضای دارالشورای دولتی سرافقه (مسترمارکهم - ام - بی) - که یکی از شرکای پارلمان است و برخلاف رای عدالت استیناف نموده - در مقدمه که خود مدعی و (مسترزورن هریت اند کمپنی) مدعی علیه است بر طرف نمودند

§ وزرای دیگر اصرار مینمایند که (سرمایکل هتس بیچ) وزیر مالیه دولت انگلیس ناوقتی که موازنه دخل و خرج سال آینده ظاهر نشود استعفا ندهد - راز داران او خواهش دارند که انضمام قروضیک از سنه (۱۸۸۹) بحال شده او به نماید

§ اعلیحضرت (اهورد هفتم) روز شنبه در (کوز) با وزرا مشاوره خواهند نمود -

(۲۴ جولای)

§ (مستر ویندهم) در جواب (مستردهند)

اظهار داشت که متشأ منازعه درباره اراضی آن است که میخواهند بهترین مردمان را از ملك الخراج نمایند و ترقی (آیرلند) را حاصل نتواند مگر اینکه مردم از این حکم سرماز زنند و حکومت را مجبور به تسخیر این حکم نمایند

§ در (آپتون) جماعتی از رعایای (هولاند) پذیرائی سرداران بوه را نمودند (جنرال بوتها) اظهار داشت که خواهش او این است که بوژان افریقائیان را همما لایم است بر آنها همدست و همدستان کرد - چرا که فقط همین ملک را پیام وطن میتوانند یاد نمود (جنرال دایری) بیان نمود که ما تسلیم نموده و از جنگ دست بردار شده ایم ولی از رایات قومی و کلمات ملی خود دست بر نخواهیم داشت

§ خبری اشاعت یافته که دولت جمهوری اتازونی فرمان - حکومت (جزیره ماکس) را به (سکپتان رورعیل) اعضا نموده - دولت ژاپون یکمروند چهار جنگی با یکفر افسر (دیپلوماسی) خود را در جزیره منبوره فرستاده تا اهالی ژاپون را تسلی دهند و اطمینان بخشند که دولت امریکا فرمان را که در این خصوص صادر نموده باطل است چه دولت ژاپون در سنه (۱۸۹۸) این جزیره را بقبضه اقتدار خود در آورده است

§ (لاردر لندور) در دارالشورای دولتی انگلیس در تقریر خود اظهار نمود که بشرف کار دولت برای سرکوبی ملای مقنون بهتر است (۱۹۰۱) میباشد و بادوات ایتالی نیز درین ماده هم - مناسبت انتظام کامل شده است

§ اعلیحضرت امپراطور آلمان تلکراف مشفقانه به (مستر ابر این) زده که جای را که بطریق شرط تقدم جهازات در (کارک آیرلند) نهاده بودند و از روی تأیید او کشتی اعلیحضرت قیصر (لیاند) شرط را برده جام را اتمام یافت ترقی اتحاد دولتمن آلمان و انگلیس را مینماید

§ مخبر (روتر) ارعدن خبر میدهد که ملای مقنون با پیروان خود از قصبه (وانوت) عبور نموده بجانب شرقی و شمالی عنان عزیمت را متوجه ساخته - افواه است که در آنجا دشمنان را تا هشتاد میل تعاقب

در چین قسمی از ماهی است که در بسیاری از خانهها خودشان پرورش مینمایند و رنگ آن طلایی و مایل به زردی است در ذائقه تلخ است ولی چیشیان را خیلی مرغوب میباشد. اهالی چین در اکل و شرب هیچ چیز سرد را پسند نمیکنند مگر چای را حتی آب گرم مینوشند. و بعضی را گمان این است که ازین جهت در چین تپهای موسمی عارض نمی شود و بعضی را عقیده بر این است که چون تریاکیان از آب سرد میترسند چینیها نیز که هموماً تریاکی اند از استعمال آب سرد و احمه دارند و علاوه بالای تریاک نوشیدن آب سرد خوار تریاک را کم میکند اقسام گرم ها و اسرکه انداخته مانند ترشی آلات دیگر همراه طعام با کمال میل میخورند

سرخی تازه بر آسمان

§ نامه تکار اخبار (طمس بمبئی) مینویسد که درین ایام وقتی آفتاب میخواستند غروب کند در بمبئی حالت عجیبی بر آسمان مشاهده می شود. و نمی توان گفت این حالت در شفق از چه پیدا شده. آنچه بنظر می رسد امری غیر معمول در هوا بروز نموده که از آن سبب این حالت نمودار میشود. شاید از سبب کوه آتش فشان مغرب باشد چون بسیاری از اخبار و سنکرزها از کوه آتش فشان جدید بر هوا متصاعد و هوا بجانب اوج تند مییافت ممکن است همین سبب سرخی شفق شده باشد بدین قسم در سال (۱۸۸۳) که در (کرکاتو) انکشاف کوه آتش فشان شد شفق سرخ بود

تدبیر عاقلانه

زنی در لندن که بسیار خوشگل و متموله بود بخيال ترقی ثروت خود افتاد. پس از غور و فکر بسیار عقلش بدینجا رسید که تمول خود و مالی که شوهر تازه گذشته اش برای او گذاشته و ۷۵ هزار دالر است ظاهر داشته ضمناً درخواست شوهر نیکو سیرتی نماید. مشروط بر اینکه هر کس خواستگار شوهری او باشد بدو آنچه (دالر) برای گفتگو نمودن با او داده سپس بیغام هر صمی دهد. خام طمع هم دودنیا بسیار است تسائیکه خواستگار مزاجت او بودند مبلغ مقروه را ملده و میدهند و تا حال کسی حکامیاب نشده هر ضداشت هر کس را بیک بهانه رد نموده کار خویش را پیش برده و ازین راه خیلی بر سرمایه خود افزوده است

تفر کم شده و در آن دار و کیر چهار هزار و پانصد هنر و و برونده هزار دواب را بتاراج برده و بسیاری از شتر هتا های دشمنان را نیز هلاک ساخته است

§ از روی هدایتی که اعلیحضرت پادشاه انگلستان بدرباریان خاص (پرروی کونسل) فرموده و امضا شده که جشن تاجگذاری ۹ ماه آگست قرار یابد. آن روز را تعطیل عام قرار خواهند داد

تهلیت نامهای صوبه پنجاب

§ مندرجه ذیل رؤسای پنجاب اعلیحضرت (ادور هفتم) را در جشن تاجگذاری تهلیت نامه فرستاده و اظهار عبودیت در تهلیت نامه های خود نموده اند

مهاراجه - پتاله - نواب بهاولپور - راجه نابه - چند - فرید کور - مندی - چبه - کیوتهل - نارکره - بکمال - پشور - بلاپور

مهارانهای - میلوک - کوتهی - کوتهار - بجی - بکمال - کارسین - و دهی

تھاکوران - نوج - و میلوک

حکمه های بلدی - دهلی - لاهور - امرتسر - انباله - جکادهری - سونی پت و دپتر

انجمنهای ملیه - ضلع سیالکوت - اندین کرسچین اسوسی ایشن - اکروال - و برهن کروه پنجاب - سکه مه داران ضلع انباله

چینیان

§ اهالی چین گوشت هر جانور را را بکمان میخورند حتی گوشت قریاغه - و مار - و سگ - و موش - و غیره را. وضع اکل و شربشان خاص است این ایام بیشتر آنها بر میز طعام میخورند ولی زیاده میز و کرسی آنها از فی ساخته می شود. بجای کاردو چنگال چوب های تمیبه کرده اند که کار کاردو چنگال میدهد. و با کال تندی و صفاتی از آن چوب طعام میخورند. طعام خوردن اهالی چین عالی از تاشانست چینیها شیر گاو را استعمال نمیکنند و وجه آنرا چنین بیان مینمایند که یکی شیر اصلا خون است شیر خوردن همان خون خوردن است. و دیگر شیر گاو استعمال نمودن عقل انسان را زائل مینماید و آدم مثل گاو میشود. شیر زن. در بازار چین فروش می رود و بدون کراهت میخرند و می آشامند. تمام این مراتب بسته بهادت است

➤ زلزله در بندر عباس ➤

§ نهم شهر روان بماعت هفت صبح جمعه باشنندگان بندر عباس از صدمه زلزله خوفناکه گردیده زلزله همدیدی که چند دقیقه دوام داشت احوال شد. همارات طایفه شهر را کلبتاً خرابی زیاد رسانید و اکثر همارات افتاد حصه از کلاه فرنگی که دارالحکومه است خراب و از صدمه اقتصادن او اداره (کلتور) هم فرو نشست بویسان از خوف شهر را خالی نگذاشته همه بجانب ساحل فرار نمودند

اگرچه زلزله سخت بود ولی مکانات بست سالم ماند یکی از تجار ایرانی حین زلزله از طبقه بالای خانه خود بسته صدمه زیاد یافته است - بجز يك زن که از افتادن دیواری بر او - دیگری تلف نشده - تاریخ ۱۰ جولائی نیز چند بار دیگر زلزله احساس شد از طرف جزیره قشم آوازهای مهیب هولناک بگوش میرسد تاکنون از آنجا خبری نیافته اند

➤ کمیسیون پلیس ➤

§ حکومت هند برای اصلاح اداره پلیس کمیسیونی را که از زمانه دراز اهالی در انتظار بودند مقرر نمود این کمیسیون دارای هفت رکن خواهد بود که هر یک نیابتاً از جانب يك صوبه باشد - و در این صوبجات امارت حیدرآباد دکن را نیز شامل نموده اند - (مستر فریزر) کمشنر صوبجات متوسطه هند رئیس این کمیسیون مقرر شده و (مستر بیرله استورن) اسپیکتر جنرل پلیس مدراس مدارالمهام مقرر گردیده - و نیابتاً از جانب صوبه مدراس (سرنیواس را کوا ایکاز) یکی از اعضا و ارکان است سائر اراکین کمیسیون حسب ذیل است

§ (جسٹس کنیدی) قاضی عدالت العالیه بمبئی

§ مهاراجه دهر بهنکه

§ (کرنل مستکاری) کمشنر و سپرائتدنت صوبه پنجاب

§ (مستر کالون) بارستر اله آباد

§ مستر هنکین اسپیکتر پلیس حیدرآباد

برای تحقیق این کمیسیون حکومت هند چند باب

مقرر نموده

§ (۱) تحقیق این امر که آیا انتظام حکومتی

صوبجات و تعلیم و مشامره آنها کافی است یا ضرورت به ترمیم دارد - اگر ضرورت به ترمیم باشد حالت هر موقع را مد نظر نگذاشته چونکی ترمیم را تصریح نمایند § (۲) اینکه آیا انتظام موجوده برای تنقیح جرائم و غیره کفایت بخش است یا خیر از این گونه امور ابواب چند معین شده است

➤ مکتوب از رشت ➤

§ امیر اکرم و سردار معظم آقای نصرالسلطنه نیکو حکومت میکنند - و الحاق سزاوار تمجید و تعریف است توجه مخصوصه معظم الیه در مملکت داری و اسلام برستی است

دیروز دستورالعمل داده که کلاتر شهر مأمور است رؤسا و متمولین هر محله را به مسجد محله جمع و کلیه نواقص و مغروبه های مساجد را اهل هر محله تعمیر و با حصیر تازه فروش و در هر مسجد خادمی با مواجب بصدقه اهل محله معین و مقرر نمایند - و در این باب تأکید اسکید فرموده و خود نیز مسجد دولت را تعمیر میکند و قارالسلطنه را مأمور بدین خدمت فرمود که در امور محوله ملاحظه نشود

صفائی حکم دویم آب حمامهای رشت است درین باب امر شده که هر سه روز آب خزینه را عوض نمایند و اگر کسی مسامحه کند مورد مواخذة سخت خواهد بود - فی الواقع اگر این دو فقره نیز انجام داده شود میتوان حکومت امیر اکرم را سرآمد جمله حکام ایران شمرد امروز که مرض عریضه میشود قلت آب مردم را پریشان کرده کرده روز دیگر باران نیاید اسباب قلت ارزاق خواهد شد هجالة در شهر ارزاق کران است

سبزه میدان رشت که بیست و چهار هزار ذرع مربع است حسب الامر بندگان اعلیحضرت اقدس شهرباری باغ طامه ساخته میشود و مخارج آن که سه هزار تومان بر آورده شده از جانب دولت داده خواهد شد و يك باب مدرسه شرافت هم ساخته میشود چنانچه سه روز قبل سردار معظم آمده تعیین محل فرمود - محل مدرسه وطن در وسط حاشیه شمالی سبزه میدان واقع است - مدرسه شرافت در سمت غربی حاشیه احوال خواهد شد فاصله این دو مدرسه تقریباً صد ذرع خواهد بود دو حنفا رود که از توابع (طالش دولاب) است

سابقاً مسجد (صوفیا) رونق داشت پس از آنکه ایشان وارد شدند هر روز جمعه خودشان و جمیع مسلمانان بجامع شریف رفته بدطای ذات اقدس سلطان کل ممالک عثمانی و طب لسانند

◀ مکتوب از کرمانشاهان ▶

§ مدیر روشن ضمیر - پنجاه عقبه را طی نموده تا بدین شهر رسیدیم - بنده کناه کار بودم از پل صراط هم گذشتم که عاقبتن باشد - خلاصه پنجاه عقبه قیامت را که شنیده طی نمودیم - ای خوشا انصابت ای خوشا راه آهن پونه و بمبئی ولی چون وارد کرمانشاه شده بعالم دیگر رسیدیم کشفات خانه ایران را از دولت حکومت علاءالدوله طغنه زن شهرهای ایران یاقم - حقیقتاً نمونه از عساکر آلمان و سوارهای قزاق روسرا از سپاه جوانان ایرانی مشاهده کردم و نظام سواره کرد - و افواج قاهره خسته و زنگنه را کامل یاقم در ظرف یکماه و نیم حکومت علاءالدوله و سرداری لشکر بهاءالدوله فرزند ارجند ایشان انتظام شهر و نظامات عسکری و اداره تطبیقیه او برابری میکنند با بهترین بلاد ایران تمام کوچه ها و بازارها همه سنگ فرش گردیده و در تمام کوچه و بازارها سی قدم الی بیست قدم فاصله چراغ میسوزد - و میدان توپخانه که تماش دکان کثیف بقالی و غیره شده بود مقام توبهای عظیم الحبه شده و این میدان هر شب مثل چراغانی از کثرت چراغ میدرخشد هر روز صبح تمام شهر حق کوچه ها جاروب میشود تمام بازارها را سفید کرده اند و اکثر نقاشی شده و سوارهای قزاق و پیاده همه با لباسهای رنگارنگ ملبس و در میدان مشق میکنند - و بعد از مشق سوارها و طوبجی ها با مزیکانچی به نظام تمام مراجعت مینمایند واقعاً اسباب مسرت قلبی من گردید و معلوم شد که باندک توجه حکام ایران و ایرانیان قابل همه گونه تربیت و تعلیم و ترقی اند

بامر حکومت جارچی جاررد که هرکس مطالبه حق دارد بلا مانع بیاید در عدالت خانه ثابت کند و حق خود را بگیرد - مردم صد ساله میگویند حکومت احدیرا در کرمانشاه بدین گونه آزاد و خوب ندیده ایم - اهالی همه بقسمی خوشحال اند که بگفتن در نمی آید کندم خرواری دوازده قران - نان چهار من تهیز

احساس معدن نفت شده از پارسال تاکنون در حفرچاه بودند ولی صورت نمی بست - پس از تعریف بردن اعلیحضرت اقدس همایونی سردار معظم اقدام مجدانه نموده سه نفر مهندس با تمام لوازم حفرچاه از بادکوبه آورده مشغولند و بیست و پنج ذرع چاه کنده شده آگار نفت هویدا گردیده است این فقره اسباب رغبت و شوق سردار معظم گردیده امید کامل است که نفت اخراج شود

مدرسه وطن ساخته و پرداخته شد چهار صد و پنجاه تومان قرض داراست و تمام مبلی این مدرسه را جناب حاجی زین العابدین آقا تقی اوف که وجودش محض خیر و خدایش بر مسند عزت همیشه برقرار بدارد و طول عمر با مدارج علیای دارین بخشد از راه بزرگواری مرحمت فرموده اند - هنوز نرسیده است ولی تعلیقه از جناب حاج معظم الیه رسیده که عنقریب خواهند فرستاد این مبلی موافق سبک مدارس روسیه و همه چیز که لایق مدرسه است دارا خواهد بود قرار بود که روز دوازدهم شهر حال سه روز جشن افتتاحیه مدرسه معمول شود چون سردار معظم بیستم شهر حال برای چهار روز مازم بیلا قلم و سرکشی املاک خود که در حال قزوین است شدند به آن لحاظ روز افتتاح حسب الامر به عهده تمویق افتاد تا پس از مراجعت ایشان

◀ بلقارستان ▶

◀ وقایع نکار محترم مامینویسد ▶

§ چند ماه است اعلیحضرت اقدس همایون سلطان کل ممالک عثمانی جناب (علی فرخ بیک اقدی) را مأمور بلقارستان فرموده اند جناب علی فرخ بیک اقدی از اشخاص متمدن با سیاست عصر جدید میباشد و قبل از این چهار سال وزیر مختار دولت متبوعه خود در امریکا بوده - ضمناً سه سال و کثیری هم نمایندگی دولت علیه ایران در (راشنگتن) بعهده ایشان بود - دو سال قبل از طرف اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی بنشان و هایل سبز امبای شدند - الحاق این شخص دانشمند دولتخواه اسباب افتخار اسلامیان است و پس از ورود بصوفیا بلیک دولت علیه عثمانی در این سرزمین از حسن کفایت این دانشمند پادشاه پوست کال نفوذ را حاصل نموده

مثل برف یقمران باقی اجناسراهم از این قرار بداید
 ﴿مکتوب بغداد﴾

§ بواسطه سلوک مهربانی چنانچه شاید پیشرفت این
 والی نمیشود - پنج روز قبل پست عمانی را در پنج
 فرسنگی بغداد با بارپول که مقداره هزارهفتصد لیرابود
 زدند در این پیروز دزدهارا پیدا نکرده اند حجاج که
 باید یکماه قبل در عقبان باشند هنوز در راه جبل
 اند و ابن الرشید میترسد و نمیتواند حجاج را برساند
 چون اکثرعشایر عنیزه و اصراب با ابن السعود بیعت
 کرده وبر ابن الرشید دشمن شده اند - یکماه قبل قافله
 از بصره باحسا میرفت یکمابورقطیف با صربهای عقیلی
 (که تجاران دیارمیباشند و همه مسلح بودند بسلاح جدید)
 حرکت میکردند صربهای بنی هاجر بر آنها در آمده که
 قافله را بزنند و از ساعت سه روز تا بعد از ظهر محاربه
 نمودند هشتاد نفر عسکر ضبطیه و مین باشی و چهار نفر
 یوز باشی و کاتب فوج و جمعی از اصراب کشته شدند
 عساکر هشتاد نفر کشته شد و از صربها هم بقدر هشتاد
 نفر بقتل رسیده قافله را بردند و از دزدان هم
 بقدر هشتاد نفر کشته شد و الحاق این حادثه عظیمی
 بود که واقع شد و در چند روز قبل قافله از جبل
 میآمد بکربلا و نجف باسئلاح اهل کربلا این نحو
 قافله را (حدره) میسکوینند که روغن بارهارد همه را
 اصراب عنیزه زدند و این همه بجهت دشمنی با ابن الرشید
 میباشد - همه عشایر عرب از او کینه دارند سابق
 اسم ابن الرشید را میبردند اصراب بخود میرزیدند حالا
 قافله اموال او را در دو منزلی نجف عرب عنیزه می
 برد - این که جناب حجت الاسلام قاضل شاریانی امر
 بحرمت راه جبل فرمودند بواسطه این امور بود -
 حالا سه سال است ملاحظه نمایند که بر سر حجاج فقیر
 چه میآید - آخر نفس علما تأثیر خود را باید به نماید -
 حال چنان شده که اصراب برای امور تجارت و غیره
 درآمد و شد راه جبل به تهلکه اند

﴿مکتوب از بادکوبه﴾

§ موافق فرامین و احکام اعلیحضرت امپراطور اعظم
 کل ممالک روسیه انواع و اقسام تشریفات و احترامات
 از آستارا الی بادکوبه برای پذیرائی موکب اعلیحضرت
 امپراطور معظم ایران فراهم آورده و طاقهای شال

ذقیمت فرش نموده بودند - سه روز تمام اهالی بادکوبه
 در داخله و خارجه معقول عیش و فراهم نمودن اسباب
 آفرین بندی و چراغ بانی بودند - جوانان بادکوبه از راهیکه
 بعبروان آمده شد می نمودند و در سمت شمالی این شهر
 واقع است تا خانه برادران طومانیان که در طرف
 صربی بادکوبه واقع و موکب فرخنده کوکب اعلیحضرت
 اقدس شهریار معارف پرور در آنجا نزول اجلال فرموده
 بود همه سوار اسب و کالسکه با ساز و نواز مشغول
 شادی و تقریباً پانزده هزار منات به فقرا و مساکین
 وضعفای شهر بذل و احسان نمودند که بوجود معبود
 اعلیحضرت همایونی و بوجود مبارک اعلیحضرت امپراطور
 روس دعاگو باشند - و بسلامتی این دوشهریار رعیت
 پرور به ندای بلند دعا و آمین میگفتند تماشای خوبی
 داشت و دیدنی بود

﴿سورت عطایا و عنایات ملوکانه در بادکوبه﴾

§ (قبر ناقور) (حاکم) شهر بادکوبه یک عدد
 قونی و یک حلقه انکشت الماس

§ پیش کار یا وزیر حکومت بادکوبه یکمدد قونی کویا
 اتیه دان معروف باشد

§ امیرالبحر - حمایله و نشان درجه سیم جنکی

§ رئیس بایس و رئیس احتسابیه شهر انکشت و
 نشان ستاره

§ بسایر طبقه و اجزای حکومت و ارکان پلیس
 نشان درجه چهارم - سیم - دوم - خارجه خیلی
 داده شد

§ به جناب مستطاب حاجی ملا عبدالرحیم طالباف
 یک حلقه انکشت الماس بوزن (۶) قیراط - از این عطیه
 معارف پژوهان خیلی بشاش و مسرور گردیدند

§ به آقا محمد حسین آقا باقراف تاجر باشی یک حلقه
 انکشت الماس و لقب و فرمان تاجر باشی بادکوبه
 § به محمد بیک پرستو کدخدای محله اول بادکوبه که
 حاکم نشین است یک طاقه شال اعلا و یکصد تومان و
 نشان سیم

§ به علی بالا علی یوف جوامر فروش نشان درجه
 سیم خارجه و لقب جوامر فروش دربار اعظم

§ به آقا مهدی بیک حاجی نسکی که از آستارا الی
 بادکوبه تلکرافتی مخصوص اعلیحضرت همایونی انتخاب

شده بودند همان درجه سیم خارج باوعدة لقب مرزبان رجعت
 § بخوانین قفقاز علی قدر مراتبهم لشان و لقب
 خلی عنایت فرمودند که شرحش مشمر نمری نیست
 § حکمران و فرماقرمای کل قفقاز قناعت داشت
 نتوانست به استقبال موکب هایون مبادرت کنند -
 دیگری را نیاتاً فرستاده بود

§ دو نفر شاکرد یکمدرسه عالی روسی که مسلمان
 بودند هرینه بخاکسای اعلیحضرت اقدس شهریار
 تقدیم نمودند که تحصیل ماها ناتمام است و قوه اینکه
 تمام نایم نداریم - از اعلیحضرت شاهنشاه معارف پرور
 ارواحنا فداء بحضرت اشرف اتابک اعظم امر و فرمان
 صادر شد - یکی را تا چهار سال سالی سیصد منات و
 دیگری را تا سه سال سالی دویست منات مقرر بدهند
 تا برقاء حال مشغول تعلیم و فارغالتحصیل شوند

در رشت هم از برای اتمام مدرسه وطن به آقامیرزا
 حبیب الله خان مدیر مدرسه وطن دویست تومان
 اعلیحضرت هایونی و یکمصد تومان حضرت اشرف
 اتابک اعظم مرحمت نمودند و سایرین از رجال هم عطیه دادند
 موکب ظفر کوکب اعلیحضرت اقدس شهریار
 ارواحنا فداء یوم جمعه سلخ شهر محر الحرام را رولق
 افروز بادکوبه بخانه برادران طومانیا لیس مسیحی نزول
 اجلال فرموده - یوم یکشنبه طرف عصر با واقون
 (ایکسرتی) مخصوص به بطرواسکه قشرف فرما شدند
 شادمانی و احترامات و تشریفاتی که اهالی شهر از غریب
 و بومی داخله و خارجه این نوبت فراهم نموده بودند
 ارحم وصف و تکارش بیرون است هیچ دخلی بدوسال
 گذشته و بمسافرت اول نداشت اسباب حشمت و دستگاه
 زیادی فراهم آورده بودند

شمه از حالات تاریخی مسلمانان مجمع الجزائر
 (عطف بما سبق)

§ تواریخ (مبلی) ذکر دماء اسلامی را باین ترتیب
 مینماید - که دماء اسلام از ساحل (ملیبار) حرکت کرده
 بدو اهالی (باسوری) قبول اسلام نموده پس از آن
 روانه (لمبری) که میان (آجین) و (سندرا) در
 شمالی ساحل واقع است شدند - از کوشش آنها
 اهالی (لمبری) نیز دعوت اسلام را قبول کرده رفته
 رفته در مینا امنیت و آرامی اسلام تمام جزیره احاطه

نمود یکی از سیاحین چین سنه (۱۴۱۴) در جزیره
 (سمارا) رفته در سیاحتنامه خود چنین مینویسد تخمیناً
 (سمارا) دارای یک هزار خانوار است و تمام اهالی
 بدین اسلام اند و نهایت مردمان خوش اخلاق هستند -
 در مقابل (ملاکا) امارت است موسوم به (آرو) حاکم
 و محکوم تمام مسلمانند (کرافرد) که ذکرش سبقت
 یافت مینویسد که باشندگان تمام جزیره نای مبلی در سنه
 (۱۲۷۶) قبول اسلام کرده خوش اخلاق و نیک خلق
 آنها در تمام جزائر شهرتی بکمال دارد مسلمانان ساحل
 این جزیره بواسطه اختلاط باهنود و نصارای مشرق
 هند و بوده - و عبور و مرور بممالک یکدیگر
 و معاشرت دائمی و معاملات خیلی بدون تعصب
 شده - ولی در اصول مذهب خود مینمایند درجه پای بند
 اند - و در ادای فرائض اسلام خصوصاً حج و صوم
 کمال پابندی را دارند در بهبودی امور دیسای خود
 معاملات مذهبی خویش را هم مد نظر میداشتند چنانچه
 اگر در دهی عدد مصلحان بیجهل میرسید و حکام آنده
 را قابل تمیز میدانستند - از خزینه دولت مسجدی
 برای آنها میساختند - و واعظ و امام جماعت مقرر
 میکردند - تا آنکه نهار به جماعت شود - و مسائل دین
 بیاموزند - اسلام در (جاوه) نسبت بسائر جزائر
 دیرتر شیوع یافت و کم ترقی کرد تجار در آنجا اصول
 مسلمانان هند را پیش گرفته به آنها معلوم بود که حال
 مردمان آنجا با تهذیب و آئین عرب مخالفت کلی دارد -
 حتی در آن مقاماتیکه اسلام محیط شده و حکام اسلامی
 بر اهل ملک مسلط بودند نیز احکام اسلام کاملاً تمویل
 نمیشد - بعضی از باشندگان جاوه که پیر و رسوم
 مسلمانان مبلی بودند و مکه میرفتند و بازمی آمدند و
 احکام اسلام را پای بند بودند باسائرین هماره مخالفت
 آفازیده میانه آنها کدورت می افتاد -

اشاعت اسلام علی التفصیل از تواریخ دریافت میشود
 صرف بطریق قصص و حکایات از کتب آنها دریافت
 میشود که در تواریخ مبلی شرح اسلام و حالت دماء اسلامی
 آنچه بیان شده بیرون از قیاس نیست کتب تواریخ
 (جاوه) قالب کار روایتها را نسبت بچند نفر غیر مظهر
 میدهند آنچه از روی کتب احتیاط شده بوجه آبی
 مینگاریم (باقی دارد)

مسکو در روسیه

خانه تجارتي (آ. منی کتی) و کپانی

§ در شهر مسکو در میدان (کروزینسکایا پلشاد) در خانه (کالینی نا)

§ همیشه امتعه ذیل بقدر کفاف حاضر و موجود است

§ کالشی جیر و جکمه های جیر بانواع و اقسام

§ جیر برای چرخهای کالسکه و درشکه و دو چرخه های معمولی و دو چرخه بخار (ماتر)

§ بالا پوش ها و پالتوهای جیری برای بارش انواع اقسام

§ پارچه پشمی و پنبه مزوج بچیر که رطوبت بآنها اثر نمی کنند انواع و اقسام

§ اشیاء جیر معموله اطبا و دکترها و مریض خانه ها

§ اسباب بازی جیری از قیل کوی ها و قچیلها وغیره

§ ملزومات ماشین آلات از جیر انواع و اقسام

§ جیر اصل (پارا کزیمی) کمیلاستیک و هکذا روغن جیر بانواع رنگها - و واکی برقی و شفاف کننده اوسی ها

و هکذا - سریشم جبهه چسپاندن اشیاء جیری از کفش و کالشی و پارچه و جیره های دور دوچرخه وغیره

§ خانه تجارتي مذکوره قبول می کند فرمایش انواع اشیاء از جیر و کمیلاستیک

این خانه تجارتي اشیای فوق الذکر را از خانه های تجارتي دیگر صدی (۲۰) الا (۲۵) ارزان تر میفروشد

No. 101621.

شرح اجرت طبع کتب وغیره

§ اعضای مطبع بهرابط ذیل برای طبع هرکونه

کتب عربی - فارسی - اردو - وغیره حاضراند

§ (اول) - اجرتیکه ذیلاً در نرخ نامه معین شده

فقط برای نوشتن و باحروف چیدن و طبع کردن

کتاب است - قیمت کاغذ و اجرت صحافی و جلدبندی

وغیره بذمه مالک کتاب میباشد - ولی اجزای مطبع

حاضر اند که بهر قسم دستور العمل داده شود تممیل نمایند

§ (دوم) مطبع ذمه دار همت مطبوعات خود مطابق

نسخه اصل است

§ (سوم) - میزان يك جزو را چهار صفحه

یا دو ورق جلدالتین قرار داده ایم - امم براینصکه

همان قطع را چهار صفحه یا هشت صفحه و یا شانزده

صفحه قرار دهند يك جزو محسوب خواهد شد -

اگر اندکی بیش تا نیم (انج) - ربع کره قطع کاغذ کم

یا بیش باشد همین اجرت محسوب خواهد بود

§ (چهارم) حروف درشت و متوسط و ریزه از

ملاحظه لوحه اخبار جلدالتین ظاهر میتواند شد

کارخانه عطریات متعلق بخانه تجارتي

س - ای - چیل ونسکی

در شهر مسکو در کوچه نیکاسکی

§ این خانه تجارتي عطریات و صابون های ذیل به

خریداران محترم معرفی مینماید - بهترین صابون برای

بزرگ موسوم به (بولسکی) جبهه نرمی و سفید کردن

پوست

همچنین عطریات (روری Reverio) از

صابون - و عطرها - و پودر - و ادکلن صکه در

استمرار و لطافت بوی مانند است

همچنین عطریات (پارفنی Parphenis)

(۶) نوع عطر معطر با دوام اعلا صابون - پودر -

ادکلن

No. 101617.

دو سال قبل اعلیحضرت پادشاه ایران در سیاحت اروپا بسیاری از درباریان را با خود برده بودند - ولی وزیر اعظم چون آنها را طرفدار پلتیک دولت انگلیس دید کم کم همه را از عهده برطرف نموده و بجای آنها کسانی را که خواهان رسوخ دولت روس اند گذاشته شریک دربار نموده است - چون شاه در امورات دینی زیاده رسوخیت دارد وزیر اعظم باطلما اتحاد پیدا کرده بر شخص اعلیحضرت و بر ملک و ملت احاطه تامه حاصل نموده است

در این سفر قصد وزیر اعظم چنان شد که شخصی که خبرخواه دولت انگلیس باشد همراه رکاب اعلیحضرت نباشد و درین باب کامیابی کامل حاصل نمود جز یک شخص حکیم الملک دیگر هیچ یک از وزرا که هوادار پلتیک دولت انگلیس باشد در رکاب اعلیحضرت نیست که خیالات ملوکانه را بجانب دولت انگلیس معطوف دارد حکیم الملک علانیه تهنیت انگلیسه را پسند مینماید و در ایران همین وضع را خواهان و در اشاعه آن کوشان است حکیم الملک همان شخص است که در سفر اول در پاریس از دست شخصیکه حمله قاتلانہ بشاه نموده طمانجه را ربوده حکیم الملک در این سفر فرزند خود را نیز همراه آورده که برای تربیت و تعلیم در لندن بگذارد - اگرچه وزیر اعظم در این امر نیز اعتراض نموده و ایراد وارد آورد که تربیت اطفال وزرای ایران باید در ممالکی بشود که بی طرف بمک خودشان باشد معذالک حکیم الملک از قصد خویش باز نیامده است § تا اینجا عنوان روزنامه (مارنک پست) بود اما عقیده ما بر این است که جمله این عنوان و خیالات خرافات محض است

• هر که نقش خویشین بیند در آب §

§ بزرگ باران و کافر آفتاب •

« حقیقت را نمی شاید نهفتن »

(شماره ۶)

ممکن است برخی یخردان بر این سخنان ما بخندند ولی نمونه ابتکار را سلطان باداوش عثمانی بمیدان آورد راه آهن حجاز اگر فرسخی مثلاً صد خرج داشته باشد در ایران می خرج دارد و اینکه در این مدت مدید اهالی ایران همت نموده و راه آهن را تا مصومه (قم)

§ (پنجم) - خط مطبوعات سنگی مطبع اتم از نسخ - مستطیق - شکسته - مطابق خطوط متوسطه مطبوعات بمبئی و سایر بلاد هند خواهد بود § (ششم) - برای مدت طبع بعد از تصفیه تمام امور فی جزوی ده روز مقرر است § (هفتم) نصف اجرت طبع پیش گرفته میشود و نصف دیگر پس از اتمام نصف (ملیجر مطبع) • نزع نامه •

ق جرو	حروف دروزه	حروف متوسط	حروف درشت	خطی	مخمسنی
هزار و شصت	دو رویه	نه رویه	هشت رویه	هفت و نیم رویه	
پانصد و شصت	هشت رویه	هفت رویه	شش رویه	پنج و نیم رویه	

« ترجمه از روزنامه مارنک پست »

§ وقایع نگار مارنک پست که یکی از اخبارات معتبره انگلستان است از (ویانه) بعضی حالات را از شخص معتبر موثقی که همراه رکاب اعلیحضرت شاهنشاه ایران درین سفر بوده دریافت نموده و نوشته است برای توجه اولیای دولت عیناً ترجمه او را بدون تصرف مینگاریم

§ در این امر جای شبهه نیست که میرزا علی اصغر خان وزیر اعظم ایران از زمانیکه مجدداً بسنده صدارت منتخب شده بیشتر میلان خاطر خود را بجانب روس ظاهر میدارد - اگر چه سفیر انگلیس را در دربار ایران رسوخیت تامه حاصل است ولی سازش روسیان در خفیه کار خود را کرده و میکنند و وزیر اعظم کوبا جامه هوا داری روس را برتن پوشیده - از زمانیکه دولت روس برای دولت ایران انتظام دو قرضه تازه را نموده چنان غلبه رسوخ حاصل کرده که هیچ یک از دول دیگر را این تقرب حاصل نتواند شد

اعلیحضرت پادشاه حالیه ایران در امورات سلطنتی خود مانند پدر تاجدارش صاحب رای مستقیم نیست ابداً در امور دولتی و ملتی و ملکی رسیدگی نمینماید ازین رو وزیر اعظم ملک سیاه و سفید از جزئی و کلی میباشد

§ اهل الزام و مدبرین ایران رسوخ دولت انگلیس را زیاده پسند میکنند چه قصد دولت مشارالها ترویج تهنیت مغرب در ایران است و دولت روس برعکس این دیده میشود -

نکبتنه اند جای تأسف و حسرت است حق ایست
 که آسان متعیرست از کدام درد بنالد
 درد دل ما نهفانی نیست
 وین دردبتر که گفتنی نیست
 چیزی که مایه نسی عموم غیرنمدان دولت پرست
 بوفی آینه مقدس بود زیرا همی امیدوار بودند نکات
 سیاسی و بولتیک که درنامه مقدس درج میشود لابد
 از نظر اولیای آموزگشته و نظر دقت آنان را جاب
 و بساطه غیرت و شاه برسی و وطن و ملت دوستی
 هر صدد اصلاح بر خواهند آمد - ولی چه سود
 باران که در لطافت طبعش خلاف نیست
 در باغ لاله روید و در شور زار لعل
 این معنی خاص مردمان بادانش غیور ملل سائره
 بود - باونی در این ایام که ذات اقدس شهریاری
 ارواحنا فداء بسیاحت اروپا تشریف فرما شده اند
 با سیاحت (موسیولو به) رئیس جمهوری فرانس مقارن
 واقع گردیده در روزنامه ها شرح هر دو مسافرت و
 رسم کجید بحری و بری روسیه و کیفیت کشمکشهای
 مرکوب (موسیولو به) واطق های طرفین را مینگارند -
 که هر فقره آن رشک آور قلوب هر دولت پرست
 وطن دوست است خاصه نطقهاییکه پس از اجرای
 رسم کجید در (سهلوده) از طرفین شده است که تمامی
 آنها هر نکته اش بادی آه سرد از دل بردر کشیدست -
 شما تاریخ روسیه را درنامه مقدس مینگارید و معلوم
 است دو بیست سال قبل دولت روس چه بوده و دولت
 علیه ایران چه بود - و در سایه آمورین درست کار آنها
 بچه درجه ارتقا جسته و ما بجه در کجا فرو رفته ایم
 آیا اولیای دولت و امنای حضرت از مطالعه آنها
 هزار یک مانی وایگان متأثر میشوند ؟ کان ندارم -
 زیرا در مدت هر آرزوی ترقی دولت و حفظ و
 حراست ملک و ملت در آن سلسله جلیله مشاهده
 نموده ایم - و جز هوس کاسرائی و شاهد برسی حسنی
 از آن بزرگواران دیده نشده - عییا روزی را خواهیم
 دید که حمل مالیات ایران انتظام یافته باشد و دست
 دزدان بیجا از خزانه دولت که بیت المال مسلمین است
 کوتاه - و اداره جهادیه منظم و بقانون سازدول باقره
 عسکر گرفته شده - و یا در هر ولایت از دولتی تشکیل - و

اهمیت اردو در مرکز هر اردو حاضر - و لوازم درخور
 شئون دولت آماده - و مفتین عسکری همه روزه
 دفتر نواقصات را تنظیم و به اداره مرکزیه و دیوان
 حرب قدیم - و آناً قاناً به اصلاح آنان پرداخته شود
 آیا چنین روزی را خواهیم دید - که حدود ما اقلأمانند
 امارت افغانستان در تحت حفاظت و حراست در آمده
 باشد وای رؤسای کشوری و عسکری دولت پنج هزار
 ساله عییا چگونه تحمل این بار کران ننگ را میتوانید
 نمود - که بقدر بلغاریان و افغانان دستگاه حرب شما
 مضبوط نباشد - ظاهراً از برای مردان غیور مرک صد
 هزار مرتبه محترم تر از زیست بدین فلت بوده باشد -
 امروز مانند عهد قدیم نیست که هیچکس بر حال
 هیچکس آگاه نباشد - سایرین بر حال ما از ما آگاه تراند
 وقت کتم و افحاض و یرده پوشی گذشته (نهان
 کی ماند آن رازی کزو سازند محفلهها) اندکی شرم
 کنید - و از غضب قادر توانا و سخط پادشاه به پرهیزید
 آیدر شما ابد آ حس ملی نمایند - کو غیرت شما - کجا شد
 حمت شما - که تن به ننگ اینگونه پستی ها در داده آید -
 آیا مرک از برای بعضی بهتر از این ننگ نیست - که
 دولت از زدی و ناراستی شماها بستوده آمده از باجیک
 جهة اصلاح ادارات مأمور جلب فرموده است - خاکان
 بر سر که دولت و پدر مهربان ما از کجی ما بستوه آمده
 اجانب را بر ما بکارد - عییا اگر ما ارتکاب ارتقارله
 بیکو گذارده - و در صدد درست کاری بر آیم - و بایگدر
 در خدمت دولت و وطن همدست وفاق و اتفاق کردیم -
 از اصلاح کدائم دائره طاجز خواهیم ماند - این وضع
 ناگوار ما سه چهار کرور اهالی ایران را بالتبع
 به بیکاری و بیماری طالت داده - و به نوکری بی جیره
 و مواجب و یغمای ملت را داشته - که سالی صد کرور
 از کیسه ملت بیرون می رود - و سی کرور باید دولت نمیشود -
 و عایدی دولت هم بز بکیسه بیچاران و تنبلان و مفت
 خوران می رود - ملت از یاسی افتد - و هم دولت متضرر
 می گردد - اگر راستی را پیشه نماییم هم - ملت از دولت
 خشنود - هم خودمان سرفراز و نیک نام - هم عساکرمان
 منظم - حدود محروس - ناموس محفوظ - خزانه معمور -
 ملک آباد - و ملت دلگناه میگردد - بیاید راستی پیشه کنیم -
 و این اقتضات را بر سر دولت رملت روانه کنیم - تا

نام مارا آیندگان بفرین یاد تکند

من آنچه شرط بلاغ است با تو بیکرم

تو خواه از سخنم پند کبر خواه ملال

(فدائی دولت و ملت)

«قابل توجه بعضی از وقایع نکاران محترم»

§ نکارنده بیغرضی مینویسد - اگرچه خود مارا هم
هو مایع نموده ولی بملاحظه متذکر شدن وقایع نکاران
بدون ترمیم مینکارد

§ از آنجائی که کال همراهی و هوا خواهی را
بروزنامه مقدس که مبانی شرف را مؤسس است دارم
این نکته معتابه را تذکره و خاطر فشان مینایم -

ارجو سکه این دقیقه ایقه را منظور نظر دارند و از
خاطر ماطر مسپارند - و آن این است - که مطالب غرض
آمیز که از طرف وکلای عزیز یا بعضی از روزنامه

نکاران پرتیمز باداره محترم روزنامه مقدس میرسد هرج
و طبع آن را از امور فوریه ندانند - زیرا که روزنامه
مقدس جبلالتین امروز روز رونق افزای عالم مطبوعات

است - حیث بلکه جای تأسف است و هرگونه
تسلف که ساحت قدس این روزنامه محترم به آلائش
پاره مطالب معموله و مراسلات معموله آلوده گردد

اگرچه آن محترم مدیر بینظیر را ضمیری وافر
فراست و طبیی کامل کیاست سلامت ملکات معروفند
و باستقامت حرکات موصوف تا همه جا همراهند و از

همه جا آگاه و بوسایط خوب و شرایط مرغوب
میدانند که حالات روزنامه نکاران ایران و حالات همرا
گویا باهم توأم اند شعرا برای اخذصله و جایزه گاهی ثنا

خوانند - و گاهی هم کوبند - تا بمقصودی که مایلند نائل
شوند - روزنامه نکاران ما هم تأسی باین سلسله جلیله
نموده در قدح ومدح تلید و طریف با وضیح و شریف

اقداماتی دارند جمدانه - و شامت این رویه ناهنجار را از
حسنات اعمال بل مستحسنات افعال میدانند و صاحب نظر
را لصبالمین و مشهوداست - که ذمیه ایست فوق هرگونه

ذمائم - تصور نماید اگر فلان امیر هدیه باداره شان تأدیه
نموده قطعاً آن امیر اطفال یتیم را پدراست و اشیخ
قدیم را پسر - مستحق شمشیر مرصع است و اداره

موسع - و الا دوا می خود یعنی او چنان سلب امنیت و
روحانیت عمومی نموده که بیانش از حوصله حروف

تهی خارج است با پایه نخوت را بجائی رسانیده است
که گویا در معنی (انها المؤمنون الطوه) رخوه بهم رسانیده
اجتطلب در مرآت ضمیر منیر ارباب فضل و دانش

واضح و روشن است - و در هیفته خاطر خطیر اصحاب
علم و ینش لایح و مبرهن که اینگونه مندرجات دور از
نزاکت تقریر و خارج از حمت تحریر است -

بمونا الله تعالی روزنامه مقدس جبلالتین از اینگونه
آلائش منز و مبراست - و برخلاف سایر روزنامهجات
و سلیقه و طریقه روزنامه نکاران که مراسم که باداره

آنان میرسد بدون تحقیقات لازمه و تدقیقات جازمه
در صحت و سقم فوراً در صحایف روزنامه درج مینمایند
و بحسن توجه و احاطه دقت ملاحظه این نکته نمینمایند

که نکارنده از صرمة (الکاظمین الفیظ - والعافین عن الناس)
است یا در شماره (الحناس الذی یوسوس فی صدور الناس)
نویسنده از خوس طاقه و ذوات کامله است - یا از اشباع

باطله و اتباع باطله - اهل صلاح و سداد است یا اذهب
غرض و (فی قلوبهم مرض) آن مدیر محترم گاهی آگاهی
دارند که مطالب مندرجه منطبقه از هر طبقه و تبه که

بعهد هرگاه مطابق بواقع است و حقیقت را تابع درج
و طبیعتش مورد ایراد نمیشود - و اگر معترض در مقام
اعتراض برآید و ایرادی نباید ایرادش غیر وارد خواهد

بود بل ضرب برحدید بارد - و اولیای آن ادارات را
جواب یصح السکوت خواهد بود که مدعی را حساب
و مسکوت نمایند - و چنانچه برخلاف صحت و عدم بصیرت

چیزی نوشته شود که بسنا دید ملک و ملت برخورد
و در مقام هاکه و مرافعه برآیند برای مدافعه بسجور
خویش بیاید اعتراف کنند - چرا که پاسخی فرین

حساب و جوابی مقرون بصواب نخواهند داشت
(و ما عینا الالبلاغ) راقم
«تلخیص حقوق دول»

«از شماره ۲۷»

§ (۲۳۸) موادیکه از عهد عتیقه تعدیل شده و
حالا با عنانی حکمش باقی میباشد بر دو نوع است - اولاً
احکامیست که چون با جریان زمان مساعد و مبنی بر

مقصد منع ظهور احوالی بوده است که اصول اداره
دولت آنها را دفع کردن نتوانسته و وقوع آنگونه
احوال چون الیوم با قوانین عمومی و اصول اداره

دولت عثمانی ممنوع است بکلی از اهمیت طاری و نا
بمحل مانده. پس در عهد عقبه مندرج بودن و نبودنش
مساوی است

مثلاً موادیست که در عهدنامه هائیک در زمان
سلطان محمدخان ثالث و سلطان احمدخان اول فرانسه
داده شده. و در ایام سلطنت سلطان محمدخان رابع در
عهدنامه مورخه سال (۱۱۸۴) تجدیداً و توسیماً مندرج
است که بر وجه آتی نکات می آید

موادیکه در عهدنامه سلطان محمدخان رابع که جبهه
تجدید و توسیع معاهده نامه های سلطان محمدخان ثالث
و سلطان احمدخان اول در سال (۱۰۸۴) با فرانسه
بسته آتیه نگارش میدهند

یکی از فرانسویان اگر استقراضی نماید. و یا آنکه
بیک وجهی متمم بوده و غایب شود. در عوض آنان
بیکنایه را که کفالت نموده گرفتار و آزاده نمایند -
گویا در زمانهای سابق اگر یکی از فرانسویان در ممالک
عثمانی مدیون و یا متمم بوده و فرار مینمود عثمانیان
در عوض او فرانسویان دیگر را گرفته و می آزرندند
دیگر آنکه اگر کسی خواسته باشد برخلاف قانون شرع
شریف بقول مجردیکه تو بمن شتم نمودی بک فرانسوی
را گرفتار و رنج نماید منع و دفع شود. و در محله
که فرانسویان سکنا دارند اگر خون و جنایتی واقع
شود مادامیکه بر ذمه یکی از فرانسویان ثابت نگردد
بتام جریمه آنان را رنجیده و رسیده نمایند

کارپردازان فرانسه و رهبانان و نجاریکه نسبت
فرانسه اند و ترجمانان بقدر معتام معین اگر در خانه های
خود جبهه استعمال خودشان شراب انداخته و یا از
خارج آورده مصرف نمایند گرفتار زجر نگردند

و از آن قبیل است فقرات آتی که در عهدنامه
سال (۱۰۸۶) سلطان ابراهیم خان با انگریز منعقد و
در آن اندراج یافته

کشتی های جنگی و غیرجنگی ما اگر در دریا بکشتی
های انگریز برخوردند هیچ فردی از افراد آنان را
رنج نرسانند و کشتیها را از حرکت مانع نیابند و هیچ
چیز آنان را ننگرفته دانما با یکدیگر دوستانه حرکت
نموده و سالك طریق ضرر و خسار نگردند

کشتیهای انگریزان که به اسلامبول می آید اسلحه

بسبب مخالفت هوا بکفه و یا در آنجناب بمحل دیگر
گذارش بیفتد بخلاف حسن رضا و بدون بیع و شراکسی
جبراً متاع آنانرا از کشتی الحراج و تصاحب نه نموده
بکشتی و آهنگهای کشتی مزاحمت نرسانند

سلطان ابراهیم خان مینویسد بنده حکامان من یعنی
چیریان و سایر ضابطان من هیچیک از آنان نخواسته
و جبراً ننگرفته و به آنان ظلم و تعدی نمایند

اصول اداره حاضره دولت عثمانی و احکام قوانین
موضوعه اش موادیرا که ذکر نمودیم و مواد
عهدیه دیگر که مانند آنهاست بلا حکم گذارده. ذاتاً
آنگونه چیزها بمحقوق دول تعلق نداشته و طاعت بمحقوق
طایفه است. و مسائلیکه با قوانین داخلیه دول بر طرف
شده چون تفصیل دادن آنها غیر لازم است لذا از
ذکر آنها صرف نظر نمودیم

§ (۲۳۹) نوع ثانی مواد عهدیه که احکامش متعلق
بمحقوق دول میباشد بر دو قسم است. نخستین آنها قواعد
عمومیه است از حقوق دول که احکام آنها موافق با
طایفه مقبوله و مرعیه بین الملل است

مثلاً مانند فقراتیکه در عهدنامه سال (۱۱۰۲)
که سلطان محمود اول با قرال فرانسه (لوی نهم) بسته
و در او مندرج شده از عهدنامه الحراج و آتیه
نگارش می یابد

آر از ترجمانان هر يك خصوص قصوری بظهور
برسد تاهیب آنان راجع بسفرا و کار پردازانست از
طرف دیگر به آنان تعرض نشود. کار پردازان فرانسه
و وکلای آنان که دارای فرمانند بنابر معناد قدیم از
کشیدن بیرق در محل سکنایشان از جانب ولات و
حکام محالمت نشوند

سفرای فرانسه را از ماکول و ملبوس و مغروب
و هدایاییکه جبهه صرفیات خود از وجه خویش از خارج
ندارند نموده و بکمرک وارد مینمایند کمرک و باج طلب
نمود

این مواد و آزادی مذهب و موادیکه مائر تجارت
و امثال ذالک میباشد بعضی فقرات عهدیه است که در
بعضی فقرات عهدیه که در فصول مخصوصه خود بیان
شده و میشود موافق است با حقوق دول. و از جمله
اصول و قواعدیست که در عموم دول اروپا صریح است.

و اینکه در فقرات عهدیه عثمانی با اجانب در مواد دایره آزادی تجارت اندراج یافته که از امتعه اجنبیه غیر از کهرک چیزی گرفته نشود بدان سبب است که در سابق عثمانی در ممالک خود علاوه از رسوم قانونیه که رعایتش مکلف به ادای آن بودند از اجانب برخی عوائد اخذ و طلب میشد پس مقصد از آنست که زاید بر قانون عمومی چیزی از اجانب اخذ نشود. نه اینکه از رسومیکه تبعه عثمانی از بابت معاملات تجاریه مکلف به ادای او میباشد اجانب معاف داشته شوند. زیرا هر دولت که اجانب را از ایضای تکالیفیکه تبعه خودش مکلف به ادای اوست معاف بدارد چنانست که ثروت ملیه خود را به ایادی اجانب تسلیم نموده نباید از مواد عهدیه آن گونه معافی غانه

بر انداز (که خود حقیقت شرح حال ماست این) و مغایر عقل سلیم و خرد دورین است استخراج شود چنانچه دولت عثمانی در آخر جبهه معاملات و اخذ و عطا ورقه صحیحه و انواع ترجمه روی سندات ایجاد نموده و جمیع تبعه اجانب که در ممالک اوسا کنند پذیرفته و ماسد تبعه خود عثمانی تأدییه او و جزای او را کردن نهاده اند (باقی دارد)

مقاله یکی از فضلی نامدار

(قابل توجه ارباب حل و عقد دولت علیه ایران)
 § برای عزت دولت و ملت تعمیر بهمان و شهرها را پاکیزه داشتن لازم است - و به تدریج رعیت را راهب نمودن به تعمیرات ملی از قبیل صفائی کوچهها و در خانهها را بلند مکرمان و خیابانها را عدل ساختن و شوسه کردن و عمارات جانب توجه را عالی نمودن و خوش منظر داشتن و در سر راهها خرابه نکذاشتن و در اطراف به جیفه بینداختن و در شهر مردم را بیکار نکذاشتن و مساجد را معمور داشتن و مدارس را ترویج دادن و مهارت و دکان هارا بازیت ترتیب دادن و ترك تقلید زنکان را کفتن (چه مذات تقلید طبیعی است) و بمعرفت حکومت و مهندسی و معماریان اسلامی راهها را از بلدی بیلهی و غزدهی بدهی آخر صاف کردن و معبرها را شوسه ساختن و پلها را تعمیر نمودن و با مراده قلو و اسب حمل و نقل کردن مایه عزت و توقیر ملت و دولت و سعادت

طامه و فواید عمومی است - این تعمیرات را در هر بلد باید نمود و بتدریج قواعد این را باید در کتاب نوشته - قانون بلدییه قرار داد - آن کتابچه قانون را جمیع رؤسای ملت امضا نمایند که وقتیکه یکی از حاملین این عمل فوت شود دیگری نتواند خلاف آن کند - بلکه بروی اساس آن باقی را تمیم نماید - حکام اروپا عالم را چنین آباد نموده اند لکن امرای سابق اسلام هر کس عمل نیکو کرد صرف تاحیات خود او بود پس از وفاتش هر که بجای او می نشست - تعمیرات او را خراب میکرد و از خودبشای تعمیر میگذارد - اینکار کار عقل و حکما نیست پس باید هر کس عمل صلاح ملت و دولت کرد آن عمل به ماند و نواقضش را تکمیل نمایند و زاید را حذف و کامل را تحسین کنند اینکار حکما دانشمند است - و آنچه از صلاح ملت و دولت و تعمیر ملک حسب الامر در رساله جمع نموده و طبع مکرده با شماره صدارت و وزارت درباره بمضاء پادشاه رسانیده بجمیع بهمان منتشر گردانده اجرا دارند از روی قواعد صحیحه باید جمیع رعایا را تحریر نفوس کرد - و باکمال دقت در دفتر باعمره و ترتیب ثبت و ضبط نمود مأمورین منظم بر این عمل برکارند در شهر و قریه و ایلات هر یک از رعایا سفر کنند - یا بپیرد در دفتر قاتب نفوس ثبت شود آنوقت نقصان و زیادتى نفوس را ملاحظه نمایند - بلکه در وقت تحریر نفوس صنعت و شهرت و ثروت هم نوشته شود و تذکره بایمان تقسیم گردد بقیمت بسیار نازل که شاق نباشد فواید هر یک ازین مراتب را بارها روزنامه مقدس نکاشته است شرحش در اینجا موجب اطمنان است

باید مردمان صاحب هوش و ذکا و معرفت و حکمت و فراست را تربیت کرد و علم جغرافیا بدانها آموخت چه مردم صاحب علم و تدبیر قطعاً خالص و مخلص دولت و ملت میگردند و این گونه مردم را باید مأمور کرد بکشف و تقویت بهمان و اراضی و کوهها و حدود مملکت که آنان با نظر دقت و بصیرت کشف کنند و مرچه فهمیده ثبت نموده باولیسای دولت بدون کما بیش برسانند

و هر مقام لایق تعمیر و مرجا - لازم است حکام باشد تحقیق کنند - و هر زمین که قابل آبادی و مزراعه

عمل. ظروف و خطرات. و هر چه لازم قسیر است همه را
تحقیق کرده در رویداد و رپورت خود تکلیف امضا
نموده تقدیم بمجلس وزارت نمایند. تا در تحقیقات خود
اگر خلاف واقع چیزی رپورت داده باشند بحکم پادشاه
منعق سیاست شوند. و نیز مردمان مدبر حکیم صاحب
معرفت را باید معین سکرد که آنچه لازم است
بصلاح دولت و ملت و عزت اسلام و دین و بقای
ملك و سلطنت و ترویج شریعت در اظهار اسلام بدین
قوانین جدا جدا رسالهای متعدد بنویسند و دانشمندان
ملت را جمع نموده و بالنظر حقیقت و اخلاص بانکارهای
هر چه موافق عقل و حکمت و مناسب دقت است اجرا
دارند و هر چه عیب و یا مقضی وقت نیست مهجور.
و همین است طریق بندهی آثار دولت و ملت ادبا و شعرا
باید مدج سرائی را کنار گذارده آنچه انشاء می نمایند
در غیر دولت و نییه و ایضا ملت باشد و این امر
صورت نمیکرد مگر آنکه رجال ملت و دولت با سر پادشاه
اسلامیان پناه بواجب کاذبه عطیه و بخشش فرمایند و
هریک که بمسک نیکو رفتار نمایند ملت و دولت آنرا
قدر کنند چه آنها دوست پادشاه و حکماء ملت میباشند
در جمیع حدود لازم است به مقابل همسایگان خارجی
هم چشمی بنایم و هر چه ساخته اند و هر قدر فراق
گذاشته اند و آنچه نظام قرار داده اند مثل آنها ساخته
آبادی ظاهر نمود. ولی هیئت و ترتیب ما کلیه باید
برخلاف فرنگی باشد یعنی صرف تقلید نباشد تا بداند
در مملکت ما مردم مردمان مدبر هستند. علاوه که همیشه
مقلد زیر دست مقلد است ضرور و غلبه دول فرنگ
در آسیا بیشتر بواسطه تقلید ناقص آسیائیان از آنان
است. و آنها برای روز مبادا قبل از وقت باطل السحر
تقلید آنها را فراهم آورده. مقلدین بیچاره مطلع نیفتند
اگر ترسوالیان برای جنک طرح نوی نمی انداختند
و تدارکات دولت انگلیس را ناقص نمی کردند و تقلید
از انگلیسان داشتند در یک حله از میان برداشته
می شدند عدم تقلید مورت این همه استقامت آنها کردید
و نیز واجب است مردمان صاحب درایت و ذکاوت
و صنعت و معرفت را ترغیب و تربیت نموده بهر نوعی
که میسر شود کوهها را سیر کنند و معدنها را بکار برند
و از قون صنایع فرنگ یاد گیرند و قواعد زو و بر بختن

آهن را تحصیل نمایند. و کتوز ایران را ظاهر سازند.
مثل معدن آهن و فولاد و مس و غیره علی الخصوص معدن
آهن که از همه لازم تر است مسلماً از برای دولت
و ملت ایران راه انداختن معدن آهن بهتر از معدن طلا
و قره میباشد. دولتیکه معدن آهن ندارد مثل بخش
است که دست و پا نداشته باشد. و دولتیکه معدن آهن
دارد و راه نمی اندازد مثل کسیت که بخودی خود
دست و پای خویش را بسته باشد
طلا از برای پادشاه و رعیت آنقدر نفع نخشد که
آهن قائده دهد اگر طلا نباشد و سلطان عادل و وزراء
مدبر باشند و رعیت را تأمین دهند کاغذ و پوست و
مس را در عوض طلا کار میگیرند و رفع حاجت مینمایند
ولی از طلا و قره و برنج و رصاص شمشیر و تفنگ
و آلات صنعت نتوانند ساخت
لذا انکشاف معدن آهن و طریق آب کردن آن از
روی سهولت برای هر دولت فرض است. بکثرت
حیث و عده نفوس مغرور نتوان شد و اطمینان بارزانی
آهن فرنگ نباید نمود. که در حکم نان دشمن است
و طاقت شکم را سوراخ میکند. و هرگز شکم صاحب
غیرت سیر نشود. از برای دولت و ملت احتیاجی
بزرگ تر از آهن نباشد و نعمتی عظیم تر از آن نیست
چون همه وزراء و حکماء میدانند حقیقت این امر را
چندان لازم به تشریح شماریم بر ماست که چشم از
تأمل این مقالات نبوشیم
دیگر آنکه ایلات اشرار را باید متفرق ساخت
تا از عصیان بیرون شوند. و طوق طاعت دولت
بگردن اندازند مثل ایلات ترك و کرد و عرب آنها را
بحسب تمکن باید جایگاهان را تبدیل نمود. و از زمین بزمین
دیگر کوچ داد به تدریج نه یک دفعه. مثلاً از چهار هزار
خانه عرب یا کرد یا ترك بدفعه پنجاه خانه و سی خانه
و بیست خانه از اشرار و عصیان و طاقیان آنها را بجای
دیگر تحویل دهند همیشه در دست ایشان اسلحه و تفنگ
و اسب نباید گذاشت و اسباب ضرور را باید از ایشان
گرفت که این اشرار در میان آن اخبار و قترای
غریب فرار نتوانند کرد. اگر با تسلط حکام و
با قهر و غلبه دولت چنین شود هر کرسی از خود
تصدی نتواند کرد. بلکه صلاح در آینه و ناصر

دولت و ملت از اشرافیت شوند - در این حال اقوام دیگر هم و زباده قدری شجاعت یاد میکنند - و اقرار تسلیم از تکبته از ایشان - و بیکدیگر مجروح میگردند آن در وقت رجعت بحال اعتدال هر (خیر الامور اوسطها) قرار میگیرند - و میداند که باید اطاعت سلطان نمود - و تدین بدین حید اسلام کرد - که جمیع عساکر و طغیان از جاده شریعت خارج اند - و غیر از پای بندی بشریعت محمدی اصول دیگر فساد است - و در این حال هم حکومت از ایشان در هیچ حین فائق نشود - و هیچ وقت تعدی بآمان از روی حسد خود نکند - حق محبت ملت و دولت را بداند - حق مقام مدنیت و السانیت را ادا کند (باقی دارد)

مکتوب قصه نما
(شماره ۵)

مرغک گفت ای رفیقان حال که همدست وفای شده - و همدستان اتفاق - بشما نکته بگویم که من چون سینه را از آرایش حب و بغض و کین و مودت رفته ام - و بترک اطوار تمین ناجانی گفته - سرا مکاشفایست سادقانه - و مراقبایست صحریه - چند شب بعد از فراغ خلیفه از سرو کشر خوابی هولناک دیدم و بر جان خویش ترسیدم

شب در عالم واقعه دیدم که مرغان مقیم سرو کشر تمام اطراف قصر خلیفه و تختگاه سلطنت را گرفته انصاف میخواهند - که ای پادشاه کم همت تو را چه واداشته بود که تقض عهد روا داری - و خانه را که میتوانست محل آسایش و قصر عزت مرغان ضعیف شود بدست جهل و تعصب خراب کنی - از برای روزیته همارت هوای خود را مسدود داری (خانه از پای بند ایران است)

پادشاه گفت - که ای مرغان شیرین عنوان - بعنوان سلطنت مطلقه قسم است که ساحت من از همت این کار بری است - و وقوع این واقعه از فرط قنات و عجبی - جز اینکه نزدیکان درگاه مرا نشان دادند که آرایش کاخ منوط بقطع سرواست - و مرا هیچ نگفتند از شامت و هژم آئین فعل - و من هیچ مطلع نبودم که مرغانی بر شکسته را در او خانه است و پرندگان بیوایه را در او آشیانه و این کار

باعث خاتمان خرابی و نوحه و ندبه ایشان خواهد بود - و الا من فسخ عنیت کرده کرد این قدر نکته بودم مرغان گفتند صدق طبعه حضرت سلطنت کاهی محقق است که انجمنی برپا شود از اصناف طیور و اقسام پرندگان - و لازم است در آن محکمه حضور بزرگان درگاه و قواد سپاه - تا اینکه که را کالای سخن قاسد و تپاه باشد - و که را قول حق غالب

بر حسب خواهش مرغان انجمنی باشکوه در کنار دجله فراهم و فرستادگان در پی بزرگان درگاه وزهای قوم رفتند - امرائی که صاحب علم و رایت بودند و وزرائی که حاوی دها و درایت همه گفتند که ما همسنگ مرغان هوایی نیستیم - و از عهده گفتگوی ایشان بر نمی آئیم - نه ما سلبایم که بر منطق طیر آشنا باشیم - و نه آصف بر خیایم که با اسم اعظم قلبه را مسلم شمرده حکم واقع شویم - چرا که ایشان قوقوی قانونی دارند - و کوکوی آزادی میکشند - و طریق عدل و داد میخواهند - و از کله مقدس و داد محبت میکنند - و تمام این مراتب خصم مسلم استبداد است - خصمی ما و ایشان خصمی پشه و باد است - ظهور یکی مانع از خفاء دیگری میباشد - چون امروز قراین خارجی نشان میدهد که اجتماعشان فزون از حوصله حسابست و دایره خفاء - پس بهتر که ما حیثیت خود لشکلیم - و مسئول حضرت سلطنترا کردن نه نیم - که ظهور بعضی مطالب را که منافی شئونای یومیه است از دایره محصل بیرون میدانیم

سبحان الله - این حرفهای تازه از کجاست - حقوق جمعیت بشری یعنی چه - حفظ استقلال مزدباج است - و هیئت ملت مختار در پرش از صرف خراج - مساوات - مواخات این کلمات پوهیده کدام است - رعیترا چه زهره که بر پادشاه خورده کبود - و زرگر و بازرگانرا چه یارا که دخل در امورات ملکی پیدا کند - ایشان تمام امام و عباد ما هستند - و ذلیل دست قدرت استبداد ای چرخ از فر فریبانی - وای آسمان فرنگیری - که کسانی را لباس سلطنت میپوشانی که خوار میدارند مایه سلطنت را و پست میشمارند پایه دولت را از جوی بی سرو پا و مرغان کوچک جز جیک جیک چه ظهور کند - که پادشاه ما مرهم بزرگ که از آباء و اجداد از

امجد و اشرافیم به محاکم طلب کنند. باسم و قیام حقوق
مصرفه مرغان - از برای ما حقوق است مسلم - و
هنوایست محقق - هر چه رعیت راست و طویق خلوص
و عبودیت مارا ببازند - و کثر خدمت ما درگاه ضرورت
بروزن و فرزند ایشان بتازند - و ناموسشان پایال دست
بن الصفاق ما باعد - و استقلال بعوضه جمعیتهمان با
هر هوا

اگر شخصی سلطنت فیصله امورشان با ما کفاره
آن کلیم که حجاج حقن کرد - تا معان را خون بریزیم
و از موجود موجودات نه بزمیزیم - جی بی سرویا را که
این صلاحیت بخش کرده است که ما ما توانند برابری
کنند - و طلب برادری - اگر دین اسلام این صلاحیت
داده است در آیات مبارکات - ما مدیست در هنگام
کشیدن کاسات سلاف تبعاً لا اصلاف میخوانیم

لمب الهاشم بالملك ولا . . . بخاطرم دو سطری
حاشیه آمد - اگر چه از قصه دور میبایم و خاطر مرغان
افسرده میشود ضروری ندارد -

وقتی که مردم یاری از تجاوزات همین مردم
اطراف بجان آمده بودند و جی جمع شده هر چند
روز یکمرتبه دور سرای سلطنت را احاطه میکردند -
از آنجا سکه (لوتی) شانزدهم مردی لین المریکه ورقیق
القلب بود که الفقا دست طبیعت مرا امداد که
حالات مفصل بلوای یاری را برین پرسی جهت خدمت
باطفال وطن خود ترجمه خواهم کرد - و ضمناً حالات
شخصی پادشاه هم معلوم خواهد شد - همه روز بمحرمان
می گفت - خوبست مشول این مردم را اجابت و
حقوق مشروعه آنان را با آن رد کنیم - و خود
بفراغ بال باقی ایام را بشماریم - این محرمان که بصیرت
میکفتند - عجب است که خاطر مهر از ملک از اجنباع
چند نفر بقال و کفش دوز صورت تکدر نشان میدهد -
این مردم بلزاری همبکاهی همسکروه و شامکاهی
پراکنده اند - اگر امر هابونی مثال گیرد در ساعتی
و جودشانرا از صفحه ایام برگیریم - و حکایتشانرا
در عالم بیادگار گذاریم - تا هیچ رهتی بیادشاه که سایه
خداست تجاوز نکند - و اخلاف در ارخام و اصلاب
هندیه کار خودشان را بشناسند -

مرچه لوتی بواسطه نجات فطری و حسب فطری

ازین معامه انصکار داشت این متملقین جاهل و مسرار
میکردند - تا حکم پادشاه بعلیک لشکر صادر شد - و کار
بالا گرفت این خائنان ظالم دوست - یا دوستان نادان -
وقتی که راه چاره را مسدود دیدند فرار پادشاه را
بملك خارجی - و طلب حمایت از اجانب را ضمانتی قوی
شمرند - و چون این آراء معخیفه زائیده از تالی جهل
بود دارای هیچ نتیجه نتوانست بشود - در مقابل
مقدمان سکر برای علمیه کلاهی سرخ که بر سر خائنین بوطن
بود این خائنین بسرا لوتی گذاشتند و قوه مستبده همین
یا محکومین بقتل میگذارند بیدولتان دوانخواه توسط
سیاستگاه همراه پادشاه بودند

ولی این منافقین کم حیت و بی آیین برخی با امریکا
و گروهی بخاک انگلیس و جماعتی با ایالات خارجی فراسه
بمنوان جستجوی حای روزی یکی دوتا فرار میکردند
بی کم و زیاد عنوان مرد لر و دکان آبخیزی که مرحوم
زاقی در طاقدیس متعل می شود

قسم بحقیقت کلمات الهیه از سوز جگر همی گویم
که رفتن آبروی خانواده سلطنت و تفریق بین پادشاه و
زندگانی و دادن شاهزاده دوازده ساله بدست کفش
دوزی کج خلق که پهلوی نبالت و عنوان جلالتش را
بامشته کفش پادشاه بدون دقت که از شامجی بقال و
کفش دوزی چه بر آید (پشه چه برشد بزند بیل را)
تاریخ عالم بخون نشان میدهد که هر وقت و هر عصر
اگر جنبشی شده - و شورشی در عالم ظهور کرده است
از همین مردم بلزاری ظهور کرده است - و همیشه
چند بزبان یا خرب شیطانرا همین گروه آیت خدمت
و دلیل قوت بوده اند - وقتی که ظلم فحاک تازی مردم
را بجان آورد آهنگری قد مردی علم آورده و در طلب
آیت حقوقی نامه بساط حکومت هشتصد ساله تازیانرا

برجید ای های افسوس هزار ندامت ۱۱۱
من زسوز جان همیکویم ولی
مادت تو هست دالم بد دلی
تا که من ترک سلامت گفته ام
در زوایای ملامت خفته ام
بر سر من هر چه پسندی وواست
لیک بر خود بد پسندیدن خطایست